

قیمه گیم ۲

رسول خردمندی



گیمفا

www.Gamefa.com

سخنی با خوانندگان:

سری اول قیمه گیم در چند سال پیش به صورت گسترده و رایگان در سرتاسر دنیای مجازی منتشر شد و تقریباً با استقبال خوبی همراه بود. نویسندگان سعی کرده تا از دید طنز به مسائل و مشکلات در این حوزه و صنعت نوپا بپردازد. قیمه گیم ۲ حاوی سیزده قسمت بوده و نسبت به سری قبلی خود، سعی کرده بهتر و قوی تر به این مسائل و موضوعات کلیشه ای همیشگی بپردازد.

اینکه چرا و به چه دلیل اسم این کتاب قیمه گیم نامیده شد تا آخر سیزده قسمت، فکر کنید. در انتهای کتاب جواب شما حاضر و آماده خواهد بود.

تمام این مطلب متعلق به وب سایت گیمفا بوده و هر گونه کپی برداری و سو استفاده از مطالب این کتاب ممنوع است.

فهرست عناوین:

- قسمت اول: اعتیاد به بازی های ویدئویی ۲
- قسمت دوم: خشونت و فن بازی! ۴
- قسمت سوم: اندر حکایات خانواده ها و بازی های ویدئویی ۵
- قسمت چهارم: اندر حکایات تعطیلات نوروزی یک گیمر ۶
- قسمت پنجم: اندر حکایات نویسندگی در دنیای گسترده بازی ۸
- قسمت ششم: اندر حکایات بازی های آنلاین ۹
- قسمت هفتم: اندر حکایات امتحانات خرداد ماه یک گیمر ۱۰
- قسمت هشتم: هیس! سگ ها فریاد نمی زنند ۱۱
- قسمت نهم: نیم نگاهی به E3 2014 ۱۳
- قسمت دهم: اندر حکایات آزادی های یواشکی دخترهای گیمر ۱۶
- قسمت یازدهم: اندر حکایات تابستان یک گیمر ایرانی ۱۷
- قسمت دوازدهم: اندر حکایات صنعت بازیسازی در ایران ۱۸
- قسمت سیزدهم: از گواتمالا تا جزیره بالا ۲۰

ویراستار: آیدین نوری

صفحه آرایی: حامد افرومند

قسمت اول: اعتیاد به بازی های ویدئویی

قانون پایستگی خنده می گوید خنده نابود نمی شود. بلکه از لبخندی به لبخند دیگر منتقل شده و همینطور موج مکزیکی رفته و از یه طرف در می رود. در هر صورت جمله اخیر هیچ ربطی به اینکه چرا الان تو گیمفا طنز داریم نداشته و نخواهد داشت. درگیر نشید؛ حساس هم نشید. میریم که اولین طنز گیمفا رو داشته باشیم با موضوع اعتیاد به بازی های ویدئویی و تاثیر آن در ... بگذریم!

باید گفت اعتیاد چیز بدی هست. خیلی هم بد! فور اگزمپل در خانه نشستید و معتادها را در تلویزیون در اخبار ۲۰:۳۰ مشاهده می کنید و همراه با خانواده، فحش های آب نکشیده ۳ در ۴ خود را حواله معتادین می کنید که ای فلان فلان شده ی (گفتند حذف کنیم!) چرا رفتی سر مواد مخدر و از این حرفا. ولی کجای کاری که الان فقط معتاد به مواد مخدر نداریم و رسماً کلمه اعتیاد به مواد مخدر "خز" شده و جدیداً بازی ویدئویی را به عنوان یک عامل خانمان سوز، مخرب محفل گرم و رنگین خانواده اعلام کرده اند! شما در جریان نیستید ولی روایت داریم که هیتلر اگر یک سر سوزن می دانست در دنیای گسترده ی گیم این گونه چپ و راست شده و به انواع و اقسام زامبی، حیوان، روانی، قاتل بالفطره تبدیل می شود، عمراً و رسماً دست به جنگ جهانی نمی زد و میومد و دست دوستان عزیز در خیابون جمهوری تخمه ژاپنی میفروخت!

از قدیم و ندیم در باب اعتیاد می گفتند کافی هست یک بار طرف بکشه! ضمن اینکه میره تو مدار صفر درجه استوا سیر می کنه، معتاد شده و رفته پی کارش! ولی اینجاست که مصرف کننده میگه.....! (گفتند حذف کنیم!) کی؟ من؟ اعتیاد؟ بعد حالا پس از یک سری دوران بالینی و مشاوره میان فرد مفلوک بدبخت بیچاره رو ترک می دادند و ضمن خسته نباشید و عرض تشکر خدمت ترک دهنده که خودش در دوران جوانی یه پا اوستا کار بوده، خوشحال می شدند که فرد الان سر و مر و گنده نشسته و دل بابا و مامانش! حالا قضیه فرق کرده و میگن کافیه دست بچه برسه به گیم پد! معتاد شده و رفته پی کارش! حالا به قول یارو گفتنی خرابی و کنسول Xbox ۳۶۰ بارش کن. (خر خودمان است، دوست داریم کنسول ایکس باکس بارش کنیم!) هر چه بچه بنده خدا می گه من کم بازی می کنم، مگه بابا رضایت میده؟ ضمن اینکه پسرش رو حبس می کنه گوشه اتاق، کنسول مورد نظر از ۶ نقطه شکسته و منهدم می شه. حالا قضیه دپرس شدن پسر خانواده و شکست عشقی خوردنش و ایدز گرفتنش در آینده بماند که چه شد که این شد ولی الان بحث سر اینجاست چرا و به چه دلیل؟! آیا پدر زحمت کش خانواده، مادر خوب خانواده، این کار خوبیست؟ حالا بچه به درک! نمی گید الان کنسولی که ۱ میلیون تومن حداقلش قیمت داره می زنی از ۶ ناحیه میشکونی چقدر به وضع اقتصادی صدمه وارد کردی؟! الان این معضل رو کی برطرف میکنه؟ چرا عاقل کند کاری که باز آید به کنعان غم مخور؟! نه چرا آخه؟ (بچه آب بیار واسه من، گلوم خشک شد)

البته بهتره اون طرف قضیه رو هم ببینیم. بچه خانواده میاد تفریحی گیم می زنه و دل باباش. Angry Birds که ضرری نداره! یه خرده زمان می گذره می بینه پرتاب کردن جک و جونور فایده نداره. میره سراغ بازی های ورزشی! حالا بماند که وارد چه ماجرای وحشتناکی میشه و درگیر سندروم PES Vs FIFA میشه و نه تنها روی اعصاب خودش میره بلکه دیگر دوستانش می خوان سر به بدنش نذارن و تا آخرین نفس تلاش می کنن که بگذریم! خلاصه کلام بعد ۲ ماه می بینه که ای داد بیداد! بازی ورزشی هم "خز" شد! این شد که بچه خانواده میره پیش یک دوست اهل حال! دوست اهل حال محترم هم بازی Call of Duty رو معرفی می کنه و بچه شاد و سر حال بازی رو نصب کرده و ۱ ساعت بازی می کنه و خر کیف میشه! فردا میشه ۲ ساعت، پس فردا ۳ ساعت و تا آخر ماه می بینیم که بنده خدا ۲۴ ساعت از شبانه روز پای کنسول یا PC افتاده و یا داره هد می زنه تو فوتبال یا داره با دوستان در نت دور همی زامبی می کشه یا نشسته هدشات می کنه و یا نشسته پشت PC و به یارش تو DOTA یا League of legends بد و بیراه میگه که چرا و به چه حقی ۶ زدی! بعد چند ماه، بچه خانواده رسماً..... بله دیگه! نکنید برادر من، نکنید این کار رو! اگه این اعتیاد نیست پس چیه؟ نه من از شما می پرسم، آیا کار خوبیست بریم سر یار خودی داد بزیم؟ حالا یه اشتباهی صورت گرفت ۶ زد، آسمان که به زمین نیامد! یا کلا ۲ ساعت هد بزن، چه لزومی داره ۲۴ ساعت از شبانه روز، بی وقفه هد بزنی؟ نزن برادر من، نزن!

و اما محققان نیمه بیکار، دورِ همی اومدند یک سری راهکارهایی ول دادند که بلکه گیمرهای عزیز ایران زمین کمتر درگیر شوند و از دام خانمان سوز اعتیاد به بازی برهاند! این شد که کمیته "سر گاز" تشکیل شد! سر گاز مخفف سازمان رهنایدن گیمرهای ایران زمین نام گرفت! خیلی هم کمیته فعال هست و در طی نشست اخیر سران وبسایت گیمفا با اعضای بسیار فعال این کمیته، راهکارهای زیر را برای اینکه چه کنیم که این نشود داده که می توانید در ادامه بخوانید:

۱. جلوی بابا و مامان بازی Angry birds بازی کنید! جک و جونور پرت کردن ضرری واسه کسی نداره و فوق فوقش بابا خطاب به مادر دلسوز خانواده میگوید بچه مان شفت شده! طبیعی هست! دشواری هم ندارد.

۲. "کم هد بزن، همیشه بزن" شعار گیمرهای فوتبالی باید باشد. یه بنده خدایی سراغ داشتیم از سر صبح هد میزد تو آرنا تا پاسی از شب. سر قبرش زدند "شادروان، جوان هد زن". کمیته "سر گاز" اعلام کرده اند که علت فوت، تکرر هد بوده و هیچ عامل دیگری حتی تصادف با ۱۸ چرخ در بلوار شهید همت در شب قبلش و شکستگی ۴۶ استخوان وی، دلیل بر مرگ وی نبوده است!

۳. "میروم، گر نروم نیستم" شعار دیگری است که برای گیمرهای علاقه مند به ژانر شوتر در نظر گرفته شده است. یعنی اینکه گیمر عزیز، شما برای چی و به چه اجازه ای جلوی پدر بزرگوار زامبی هدشات می کنی؟ نمیگی پدر الان نگران میشه که بچه من هفت تیر کش شده؟ تا حد امکان سعی کنید جلو چشم بقیه هدشات نکنید!



۴. توصیه مهم که بسیار هم کاربردی هست اینه که از پدیده "در به در" استفاده کنید. کمیته "سر گاز" اعلام کرده که بیش از ۹۰٪ گیمرها با این راه حل، هم حال می کنند از بازی، هم کسی بابت بازی کردن غرولند نمی کند. به ازای هر ۱ ساعت بازی، بیاید ۳۰ دقیقه یک کتاب درسی را بازی کنیم یا ۳۰ دقیقه سیستم یا کنسول را خاموش کنیم، بریم یک سر پیش خانواده بشینیم. ظاهرا آدم های خوبی هستند. بچه های خودشون رو نمی خواهند و آرزو دارند که شما دکتر یا فضانورد بشوید که پس فردا مادر شما به خاطر داشتن شما جلوی خواهر شوهر و جاری خود پُز بدهد! بیاید دلشان را شاد کنیم.

قسمت دوم: خشونت و فن بازی!

اصلا برای ما مهم نیست که از قسمت قبلی خوششان آمد یا نیامد. دلمان میخواهد بنویسیم! اصولا دوست داریم دور همی هفته ای ۱ بحث خودمانی داشته باشیم. اصلا دلمان نمی خواهد ادامه مطلب را بخوانید! خشن هم خودتان هستید و ...

همانطور که متوجه شدید سوژه این هفته جنگ های کنسولی و PC هست. متوجه نشدید؟ اشکال از خودتان است! مقدمه به این شیوایی و رسایی! بر طبق آمار موثقی که حال نداریم بگردیم و پیدا کنیم و در این مقاله درج کنیم، خشونت طلبی چیز خوبی نیست. به عنوان مثال برای ناهار، قیمة دوست ندارید و مادر زحمتکش و مهربان شما قیمة درست می کند و بچه خانواده قیمة نمی خورد و قهر می کند و میرود در اتاق و درِ اتاق رو قفل می کند و بعد بابای خانواده میاد و در اتاق رو باز می کند و یه کشیده نر و ماده ۳ امتیازی در گوش بچه مفلوک می زند و زیادی هم بچه زر بزند با یک آپرکات تمیز مورتال کمبتی پسند، ترتیب بچه خانواده داده می شود و می رود پی کارش! همانطور که گفتیم خشونت طلبی چیز خوبی نیست پدر خانواده! خب قیمة دوست نداره، زوره آیا؟!

با همین کتک کاری ها، گیمر میبینه زورش به کسی نمیرسه، سیستم مبارک را روشن کرده و به دنیای اینترنت میاد و میره داخل سایت گیمفا (سایت خودمان است، تبلیغ میکنیم!) و به کاربر Goolakh Sony10 پرخاش می کند که فلانی، Xbox One بهتر از پلی استیشن ۴ هست. کاربر Goolakh Sony10 هم میاد میبینه داره کم میاره تو جمع، همین حرف رو عکس می کنه و حواله میده به بچه خانواده. حالا این بگو، اون بگو. بحث داغ میشه و کاربر Goolakh Sony11 و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ... وارد بحث میشن و اینجا هم ادمین سایت وارد میشه و دومین آپرکات تمیز مورتال کمبتی پسند، را حواله جمع می کنه.

اصولا دوران دهه ۶۰ و ۷۰ بچه ها باید زار میزدن، یه عالمه بیگاری می کشیدن بلکه شاید بابای خانواده گوشه چشمی نشون بده و یه آتاری یا سگا بخره و بده دست بچش تا خفه خون بگیره و بشینه یه جا و بازی ویدئویی انجام بده ولی الان قضیه فرق کرده! بچه خانواده کافیه به اندازه ۵ دقیقه گریه و شیون راه بندازه. فردا نه، پس فردا یه گوشی Galaxy S4 و یک کنسول نسل هشتم دستش هست بی برو و برگرد! تازه بابای خانواده هم میشینه ور دست بچش، Killzone می زنن دور همی.

اون قدیم ها شعار و فلسفه جنگ این بود که میگفتند "جنگ، جنگ تا پیروزی!" اما گیمرها شعارشون ورژن جدیدش این هست که میگن "جنگ، جنگ تا خون ریزی!" حالا کاری نداریم که کنسولشون رو هک می کنند و یا بازی های کرک شده ۲ زاری میخرند ولی آن چنان از کنسول های بازیشون به خصوص PS3 دفاع می کنند که حتی بچه آقای Ken Kutaragi هم نمی تونه این شکلی دفاع کنه! من به نوبه خودم گیم پد این عزیزان رو به گرمی میفشارم و میگویم خدا قوت!

حالا از هواداری کنسول ها بیرون بیایم، یه دنیا حرف هست سر هواداری یا به اصطلاح خودمون، فن بازی. اصولا فن بازی چیز بسیار خوبی هست! هواداری کنید ولی مواظب باشید که از یه طرف فن پاور داغ نکنه و نسوزه. خب PC باز گرامی، قریون شکلت برم، برمیکردی به یک GoW باز میگی بازی خدای جنگ بازی خوب یا دلچسبی نیست. کسی که یک عمر نشسته پای کنسول PS2 و PS3 میره تایتان میندازه چه انتظاری داری؟! اصلا میدونی کشتن زئوس چه حالی میده؟ نمیدونی که! کلا یک گیم پد بگیر دستت، بشین پای PS3. یعنی بعد ۴ ساعت، باید با کفگیر جدات کنن از زیر پای مانیتور. حالا Gran turismo رو نگم دلت کباب میشه.

از اون ور، دعوی اصلی سر قیمت بازی های کنسول مایکروسافت بود که چون ارزون تر هست و ما ایرانی ها هم عمرا بذاریم جنس ارزون و مفت از دستمون در بره میریم ایکس باکس میگیریم. پاش بیفته واسه بازی فری آرکید، جونم میدیم. خلاصه کلام مایکروسافتی ها میزنن تو سر سونی دوست ها، سونی دوست ها هم میزنن تو سر مایکروسافتی ها. PC بازها هم کلا میزنن تو سر خودشون که چرا این همه بازی AAA و توپ میاد برای کنسول های خانگی و ما نمی تونیم بازی کنیم. واسه خاطر همین PC بازها علاوه بر اینکه میزنن تو سر خودشون، واسه جبران مافات میان میزنن تو سر جفت کنسول ها. خلاصه یک بزن، بزنی میشه که اون سرش ناپیدا! حالا اون پسر بچه ای که قیمة دوست نداشت هم میاد وسط کار، به عنوان باس فایت به حساب میاد! حالا شما بزن، اون بزن. ادمین هم میاد و با یک آپرکات چی؟ درود بر شما! مورتال کمبتی پسند همه رو نقش زمین می کنه و حساب های کاربری متخلفین انا الله و انا الیه راجعون میشه و میره پی کارش. البته این کارها فایده خاصی نداره و اون بچه مورد نظر ممکن هست برگرده و با Health ۱، یک حرکت X-ray بر روی کامنت ها بیاد که در دوران ما الی ماشاالله زیاد دیده شده که منتظر می مونن ادمین آفلاین بشه و حمله رو از سر شروع کنن! ولی زهی خیال باطل! شبا که شما میخوابید، آقا ادمین ها بیدارن! بله دوستان، با یک حساب دو دو تا چارتا میشه فهمید که فن بازی های انجام شده در اینجا داغ کرده و زده خود طرف و بازی و فن و کاربورات رو با هم ترکونده و رفته پی کارش.

مسبب اصلی دعواهای گیمی از قیمة هست. میگید چرا؟ خب از همون اول اگه قیمة درست نشه، بچه مورد هجوم آپرکات های مورتال کمبتی پسند واقع نمیشه و آخرش هم به اخراج از جامعه مجازی نمی کشه. من حیث المجموع و خلاصه کلام به این نتیجه میرسیم که اصلا هم گیمر اینجا تقصیری نداره و مادر خوبم، قیمة درست نکن! و نتیجه اخلاقی دیگه این هست که مدیرهای سایت گیم نباید مورتال کمبت بازی کنند. خشونت تا چه حد آخه؟

قسمت سوم: اندر حکایات خانواده ها و بازی های ویدئویی

خانواده، محفل گرم، کانون محبت، یک دنیا عاطفه به حساب می آید و یک دنیا شر و آشوب و خون ریزی و جنگ برای یک گیمرا! البته همه گیمرها این رابطه رو ندارند و طبق آمار، ۹۹٪ گیمرها ادعا می کنند با خانواده مشکلی ندارند. اون ۱٪ هم ادعا می کنند که این ۹۹٪ دارند دروغ می گویند! حالا کی داره راست میگه؟ من، شما، ایشان؟!

این یک قانون برای همه گیمرها هست که باید رفت! کجا؟ گیم نت؟ مشهد؟ صفاسیتی؟ خیر جانم! باید رفت جفت پا تو صورت کسی که از بازی بد حرف می زنه. حالا مهم نیست کودک ۴ ساله باشه یا پیرمرد ۹۴ ساله. کلا باید رفت... اما مواظب باشید که نرید جفت پا تو صورت خانواده که یه کشیده نر و ماده از بابای خانواده می خورید. شاعر گیمر نیشابوری می گوید:

بسی رنج بردم در این سال سی پدر در بیاوردم از غیر گیمری

اصولا پسر خانواده چه پروفیسور مملکت باشد، چه علاف و بیکار، نباید بازی ویدئویی انجام دهد. اینکه چه فلسفه ای پشت حرف والدین هست که می گویند "بازی باعث میشه خنگ بشی" وجود ندارد و دانشمندان همچنان در کف والدین ایرانی مانده اند. حالا اونور تو خارج، بابای خانواده میشینه با پسر خانواده دور همی تو سرورهای EA، بتل فیلد ۴ بازی می کنن و حالش رو می برن. مادر و دختر خانواده هم دور همی Wii بازی می کنن. کودک ۴ ساله خانواده هم یه تبلت Asus دستشه و Angry birds بازی می کنه! حالا از ویژگی های گیمرهای ایرانی هم این هست که هر مطلبی گیر میارن که از بازی ویدئویی تعریف کنه رو نشون بابا و مامان میدن. (خواهشا قیمه گیم رو نشون ندید! فحش خور والدین ایرانی نشیم!!) بابا و مامان هم یه خرده اول مطلب یا مقاله رو می خونند و بعدش یک تریلی ۱۸ چرخ فحش رو نثار روح پاک نویسنده، گیم، بازیسازها، مایکروسافت، بیل گیتس، استیو جابز و ... حواله می کنند. بله دیگه!

از دیگر مصیبت های یک گیمر در باب بازی های ویدئویی در محفل گرم و تنوری خانواده میتوان به بازی های چیز دار اشاره کرد. گل سر سبد بازی های چیز دار رو می تونیم برای یک جوان ۱۵ ساله، Tomb Raider نام ببریم. اینکه چرا دوشیزه خانم لارا کرافت جوان وقتی برای ماجراجویی به غار یا جزیره ای میرود، لباس درست و حسابی تن نمی کند را باید از طراحان کاراکتر بازی پرسید ولی خب گویا سفر یهویی اتفاق میفتد و یهویی تصمیم گرفته می شود که بروند جزیره ی شیطان دور همی واسه ۱۳ به در، یادشون میره که لباس درست حسابی تو چمدون بذارند. حالا از فلسفه منشوری بودن شخصیت لارا کرافت بگذریم، به دغدغه گیمر باید فکر کرد در همین لحظه که چطور و چگونه باید این بازی رو انجام بده. اگر بابای خانواده ببینه که بچه ۱۵ سالش داره بازی رو انجام میده که کنسول و خود پسر بچه رو متلاشی می کنه، اگر مادر خانواده ببینه که... باز هم کنسول و خود پسر بچه رو متلاشی می کنه. اگر خواهر دوست داشتنی خانواده بازی رو ببینه... خوشبختانه کاری نمی کنه ولی میره صاف کف دست پدر و مادر خانواده میذاره و در این حالت، پدر و مادر، با هم دیگه، کنسول و خود پسر بچه رو متلاشی می کنند و انا الله و انا الیه راجعون...

یک دغدغه مهم دیگری هست که بیشتر تو PC بازهای ابرونی شایع هست. اونم چیزی نیست جز ارتقای سیستم! این بلا برای خود بنده که نویسنده این قیمه گیم هستم در چند هفته پیش اتفاق افتاد. جونم براتون بگه که ارتقای سیستم چیز بسیار سخت، حتی سخت تر از تمام کردن بازی Dark Souls هست! بابای خانواده حکم غول مرحله ی آخر Dark Souls رو داره که نشسته زیر پای تلویزیون و فوتبال آرسنال و چلسی رو تماشا می کنه. بچه خانواده هم تمام تلاشش را می کنه که توجه بابا رو به ارتقای سیستم و خرید یک کارت گرافیک GTX 690 جلب کنه و زهی خیال باطل! بابا چه میدونه کارت گرافیک چی هست و ضمن اینکه تخمه ژاپنی ها رو تموم کرده و اعصابش خورد هست که چرا تموم شد، با یک شیون پدران پسنده که به سان صدای Finish him در مورتال کمبت هست ترتیب پسر خانواده رو میده و حداقل یک ماه از شر ارتقای سیستم راحت می شه! اینجا هم پسر خانواده تریپ احساسی بر میداره که من در آینده برای بچه خودم خیلی خرج می کنم و برای سام (پسر خودم در آینده) یک PS4 میخرم ولی باید گفت در اینجا زرشک! شاعر PS4 باز در اینجا به گریه میفتد و می گوید:

غرق PS4 شدم با یک نگاه ساده برق کنسولش پشت ویتترین کار دستم داده

فرق تو با PC اونقدر زیاده که قبل تو هیچی مثل الان نبود یادت

خلاصه کلام از این فکر بکرها زیاد کار دستمون داده و طبق آمار مثلا دقیق از هر ۱۰۰ خانوار، ۱ مورد داشتیم که پدر خانواده بی چون و چرا برای وسیله گیم پول خرج می کنن و در ۹۹ خانوار دیگر، همیشه جنگ و بحث پیش میاد برای خرید یک کنسول یا ارتقای سیستم. البته بهترست مقداری به پدر خانواده حق بدهیم! چه لزومی داره که پسر ۲۰ سال به بالای خانواده گیم بازی کنه؟ باید پاشه بره دنبال کار و پول در بیاره. ولی خب پدر بزرگوار، همیشه از بازی های شاخ مثل Battlefield، Call of Duty، FIFA، مورتال کمبت که دیگه خداست! (مدیونین فکر کنین که فن بازی MK هست!)

من حیث المجموع، چه ۲۰ سالمون باشه و چه ۲۰۰ سال، به چشم خانواده، بازی ویدئویی برای یک بچه ۲ ساله هست. هر چه بگویم هم نمی تونیم طرز تفکرشون رو عوض کنیم. تو جامعه ای داریم زندگی می کنیم که پدرهای ما کار سخت و یدی زیاد انجام دادند و با بازی های ویدئویی بیگانه هستند. پدران ما قصد اذیت کردن ما رو ندارند، منتهی تا حالا تجربه هدشات کردن یک زامبی، گل زدن از نقطه کاشته شده تو فوتبال FIFA، تجربه مخفی کاری Metal Gear و Splinter Cell، تجربه و لذت آپرکات زدن در مورتال کمبت و خیلی از تجربه های دیگر رو ندارند و نمی تونند درک کنند. البته می تونید بازی های Coop یا همون دو نفره رو با هم بازی کنید بلکه شاید علاقه مند شدند ولی دوستانی که این کار رو انجام دادند، از هر ۴ گیمر، ۳ گیمر نتیجه عکس رو دیدند و خانواده بیشتر از بازی متنفر شدند. بهتر هست این نتیجه گیری رو داشته باشیم که تو دنیا بیماری های زیادی هست که لاعلاج هست مثل ایدز؛ تنفر خانواده از بازی هم نتیجه میگیریم که لاعلاج هست و نیازی به درمان و پیشگیری ندارد و جمیعا خسته نباشیم!

قسمت چهارم: اندر حکایات تعطیلات نوروزی یک گیمر

بهترین (و همینطور بدترین)، زیباترین (و همینطور ضدحال ترین) دوران مهم برای یک گیمر، تعطیلات نوروزی است! می گویند امکان ندارد؟ چرا و چگونه؟ هم بهترین و هم بدترین؟ با ما باشید در قسمت چهارم قیمة گیمر و اندر حکایات یک گیمر در تعطیلات نوروزی! برای اینکه خیلی واضح توضیح داده شود و همه شیرفهم شویم، بر اساس یک تایم لاین جلو می رویم. البته این تایم لاین هیچ ربطی به فیس بوق نداشته و اصلا هم نمیخواهیم تبلیغ یک سایت صهیونیستی رو بکنیم... کلا بگذریم!

۲۹ اسفند سال قبلی:

به خاطر چهارشنبه سوزی روز قبلش، یک گیمر سنگر رو به ۴ تا تیر و ترقه نمیفروشه و با جون و دل میگه چه کاری هست بریم بیرون زارت و زورت ترقه در کنیم؟! میشینیم در خانه و یک بازی آنلاین می زنیم با دیگر دوستان گیمر در شبکه های استیم و ایکس باکس لایو و PSN. اونور تو خیابون همه موشک سوتی و کپسول می ترکونن و خیلی هم خوشحالند و اینور تو خونه گیمرها همدیگه رو هدشات می کنند و خیلی هم عالی! گیمر راضی، مخابرات راضی، گور بابای ناراضی! همه چی خوبه تا موقعی که یهو پینگ بازی بالا میره و گیمر با ۴ تا فحش سیستم یا کنسول رو خاموش می کنه و میره اونور اتاق و دست مادر و بابای عزیزش که تازه متوجه میشه که عععهه، سال جدید شده و همه اهل خانواده سر سفره هفت سین نشستند و دارند عید فرخنده نوروز رو به هم تبریک می گویند.

۱ فروردین:

تا گیمر سمت بازی میخواد بره، یکی از اونور خونه میاد خر بچه رو میگیره که پاشو بریم عید دیدنی! حالا عید دیدنی چیز خوبی هست دوستان، برید عید دیدنی! ولی خب گیمر میره خونه خان عموی گرامی خود و نیم ساعت میشینه و می بینه نه! انگاری خبری از عیدی نیست. همینکه ۳ تا ماچ روی ۲ لپ از خان عموی خودش گرفته خیلی هنر کرده و باید خوشحال باشه. خب خان عموجان تکلیف بچه مردم رو روشن کن از اول! اگر قرار بر عیدی دادن نیست، گیمر بشینه تو خونه و مورتال کمبت بزنه.

۲ فروردین:

"امروز، دیگه باید بازی کنم!" جمله اخیر رو تمام بازیازهای این مرز و بوم خواهند گفت و در نهایت طبق آمار مثلا موثق ۹۹٪ از گیمرها نمی تونند امروز هم بازی کنند. حالا بگید چرا؟ خب معلوم هست دیگه! تیر و تفنگ و شیشه، مهمون میاد همیشه! عذاب واقعی جایی شروع میشه که گیمر تو بازی کسلوانیا در حال انداختن یک باس فایت هست که زنگ خونه زده میشه و خاله اینا با بچه های قد و نیم قدش از شهرستان میان خونه شما. حالا Xbox بیار و باقالی بارش کن!

۳ فروردین:

دیگه گیمر به این نتیجه می رسه که تو خونه همیشه بازی کرد و به خانه یک دوست اهل حال پناه می بره و دو نفری با هم میشینن PES یا مورتال کمبت (مدیونین اگه فکر کنین نویسنده فن MK هست) یا هر بازی چند نفره دیگری بازی می کنن و خیلی هم عالی! منتهی به یک باره، خانه دوست اهل حال هم مهمان می آید. اصولا پدیده ی مهمان چیز عجیبیست و می توانیم مهمان را به یک زامبی نسبت بدهیم. مهمان چیست؟ یک زامبی که وارد خانه می شود و از آجیل و شیرینی میزبان تغذیه می کند. دانشمندان ثابت کردند، خطرناک ترین گونه زامبی، بچه زامبی هست که نه تنها پسته ی آجیل رو می خورند و شیرینی کره ای و خامه رو از ظرف شیرینی صاف می کنند، عیدی کلانی هم باید بگیرند تا به رفتن رضایت بدهند! این بچه زامبی ها اگر ۱٪ به مشام مبارکشان برسد که یک گیمر هستید، رسما شما رو بگذریم!

۴ فروردین:

امروز خدا رو شکر مهمانی ها تمام می شود و آخرین روزیست که باید گیمر تحمل کند. البته در مهمانی ها، یکی از فک فامیل های شما، (معمولا) دایی محترم شما برای پدر و والده محترم شما تعریف می کند که باید برای این نره غول ۲۲ ساله زن بستونین. ولی زهی خیال باطل که در همین زمان، همین نره غول ۲۲ ساله در حال بازی کردن Temple Run ۲ هست و اصلا گوشش هم به دور و ورش نیست و ۳، هیچ کلا عقب هست از زندگیش!

۵ فروردین:

بالاخره روز گیمر فرا رسید. یک گیمر میخواد صبح، ظهر، شب دیگر بازی کند که باز هم زهی خیال باطل! برق قطع می شود و ضمن عرض تبریک سال نو خدمت خانواده ی محترم کارمندان اداره ی برق، گیمر به بیرون روانه می شود. شاعر می گوید:

B2-6

دسترسی به شعر فراخوانده شده امکان پذیر نمی باشد، جهت رسیدگی به گزارش ها و شکایات هیچ جا کلیک نکنید.

طی این بازه زمانی، گیمر دلی از عزا در می آورد و همه رقمه از بازی های روز، قدیمی، بازی های ۲ در کرده از دوستان، بازی های مالتی پلیر لذت کافی رو می برد. اصولا آدم های عادی یه پاشون جزایر قناری هست و یه پاشون آنتالیا ولی گیمرها یک پاشون سیستم و فیس بوق هستش و یک پاشون یخچال و گلاب به روتون WC! باز هم خوبه که ۳ نوبت در روز برای رفع گرسنگی و تشنگی پیش خانواده خودشون می روند و یه سلامی می کنند. هر از گاهی هم پدر زحمتکش خانواده بالای منبر می رود و از مضرات بازی کردن می گوید و با این حال پسر خانواده می گوید (گفتند حذف کنیم!)

۱۳ فروردین:

بساط جوجه کباب ردیف هست و همراه با خانواده به جنگل های شمال رهسپار می شوید. گیمرهای اصیل حتما یک کنسول دستی با خودشون می برند و یا حتی الامکان موبایل خود را با بازی های HD پُر می کنند تا به بطالت نگذرانند و همینطور ۱۳ را به در کنند! ۱۴ فروردین به اینور:

کلا ۲ روز در سال هست که تحت عنوان "لغت الیوم" در نزد چه پسر، چه دختر مشهور است. یکی اول مهر و دیگری هم ۱۴ فروردین! لغت الیوم روزیست که همه گریان، عصبی، دپ_____رس و با آغوشی بسته و ملال آور، انگاری می خواهند به پای چوبه اعدام بروند، به دانشگاه و یا مدرسه خود باز می گردند. حالا دوستان و انسان های عادی از سفرهای نوروزیشون برای گیمر حرف می زنند و یک گیمر از سفرهای خود در اسکایریم و ازدواجش می گوید و از رسیدن به lvl 80 در بازی دنیای وارکرفت. ولی دنیای آن دوست عزیز کجا و دنیای ما گیمرها کجا! ای کاش می توانستیم گیم رو در برنامه ریزی های خود به تعادل بچپونیم، بدون اینکه به سلامتی جسمی و روانی خودمون آسیب نزیم. حداقل از هوای بهاری لذت می بریم. البته نویسنده که بنده باشم قصد داشتم صبح ها به پیاده روی بروم که تا امروز حال نداشتم برم! اراده، عنصر مهم دیگریست که اغلب ما گیمرها نداریم. به قول شاعر که فریاد می کشد و می گوید:

بسه دیگه، بسه دیگه عادت و گیم بی خودی تو خیلی وقته تو دلت، به رفتن گیم راضی شدی



قسمت پنجم: اندر حکایات نویسندگی در دنیای گسترده بازی

باید نوشت، گاه بر قلب کسی، گاه بر روی کاغذ، بنویسید، تلاش کنید ولی خط خطی نکنید! نکنید آقا، خط خطی نکنید.

کلا نگارش چیز بسیار خوبیست. همه می نویسند، من هم می نویسم، او هم می نویسد، شاید هم شما بنویسید. صبر کن ببینم، چرا شاید؟! مگه ویکتور هوگو ۴ تا شاخ بالای سر خودش داشت؟! خیر جانم، چیزهای زیادی دیگه ای داشت که الان نمیشه گفت. دو عدد! بگذریم فعلا!

در زمینه ی نگارش اصولا ما ایرانی ها نه تنها ضعیف نیستیم بلکه دو خط نامه هم نمی تویم بنویسیم. طرف فوق لیسانس ناظر کیفی شیمی آلی و مواد غذایی بخش مازند شمال هست ولی برای ۲ خط نامه به یه بنده خدا رو می زنه. وقتی هم می گویم آقا.....، چرا خودت یاد نمیگیری جواب میدهد که این معلم فلان شده انشای ما در زمان بچگی چیزی یادم نداد. خب مرد مومن، خانم عزیز، معلم شما خودش مگه از شکم مادر نویسنده شد؟

حالا بخش نگارش به کنار، بعضی ها هم هستند که اصول اولیه نگارش رو بلد هستند و ادعایی هم ندارند. از اونجایی هم که گیمر هستند پس کیبورد به دست میگیرند و میشینند بازی که اخیرا تموم کردند رو مورد نقد و بررسی قرار می دهند. البته اون قدیم ندیم ها، شما یادتون نیامد، یه دفتر یه خط بود و یک مداد! ما هم مداد می گرفتیم دستمون و از خاطرات کتک کاری روز پنج شنبه تو دبستان گرفته تا آرزوی میلیونر شدن در آینده تو یک دفتر شیک و مجلسی با خط خودمون می نوشتیم. اوج پیشرفتمون هم این بود که بابای خانواده، یک مداد استدلر بخره که انقدر این نوک مداد نشکنه و هی این مداد بی صاحب رو تراش نکنیم! اصولا مشقت های قدیم برای نویسنده شدن به مراتب بیشتر از الان هست. الان تمام تکنولوژی های روز رو داریم، ولی از آنجایی که یه قسمتی از بدن من و شما همانند کانال سوئز عریض می باشد حال نداریم تلاش کنیم و بعد می گویم معلم انشای ما چیزی یاد نداد! برای نویسنده شدن الان شما ۴ چیز نیاز دارید: ۱. یک رایانه ۲. برنامه ی Word ۳. دسترسی به نت ۴. چهارمی رو هم فراموش کردم.... بعضی ها هم هستند، چهار خط می نویسند و دور و وری ها تشویق می کنند. این ۴ خط بیشتر می شود و این دور و وری ها بیشتر تشویق می کنند! دقت کنید که دور و وری ها همون تعداد هست ولی این شدت تشویق ها بیشتر میشه. اینجاست که نویسنده مورد نظر جوگیر می شه و از حالت تک فاز تبدیل می شه به دو فاز و ۳ فاز. اگر این بنده خدا رو از پریز بیرون نکشیم تبدیل میشه به ریشه های برق که واسه مراسم عروسی استفاده میشه تو کوچه. حالا هر چقدر هم بگویم شما همون برق ۳ فاز هستی ولی طرف که الان جو گرفته بدجور، فکر می کنه که یه لوستر هست برای خودش. بدبختی یکی، دوتا نیست. بدبختی از جایی شروع میشه که با پارتی و ۴ تا آشنا طرف وارد مجله چاپی می شه و حالا طرف دیگه احساس ۳ فاز نداره. اینجاست که طرف میگه: من خیلی خفنم!

محققان ثابت کردند که خفن بودن چیز خوبی نیست. توصیه هم شده بعد از هر وعده ی غذایی، ۱۰ بار بگویند من خفن نیستم. محققان می گویند اگر این سندرم "من خیلی خفنم" درمان نشود، نویسنده محترم که در زمینه گیم فعالیت می کند، نه تنها احساس اعتماد به عرش پیدا می کند بلکه اعتقادات به فرش نیز پیدا می کند! حالا این که گفتیم یعنی چه؟ در این مرحله، نویسنده ی محترمی که با ۴ تا بادمجون واکس زدن وارد مجله شده، با دنیای اجتماعی مجازی آشنا می شود. دنیایی به نام فیس بوق! بالاخره بعد از مدتی، یاران همیشگی یعنی "در و وری ها" این بنده خدا رو add می کنند و طرف اوایل acc می کند و پست های جوک میذاره و دور و وری ها لایک می کنند. در این حالت، نویسنده محترم خوشش میاد و بعدها همین بنده خدا، هر کی add میکنه، رد می کنه و حالا اینجاست که follower داره بالای ۱۰۰۰! اینجاست که طرف رگ غیرتش بالا می زنه و پست های با تم عاشقانه و جوک رو میذاره کنار و پست های پوپولیستی، فمینیستی، کمونیستی و هزار مدل چیچی "ایسم" رو پست می کند و دقیقا همون دور و وری ها لایک می دهند. اینجاست که دیگه نویسنده جو زده محترم نمی گوید من خیلی خفنم، بلکه می گوید من خیلی خیلی خفنم!

از این مدل نویسنده های خیلی خیلی خفن زیاد دیده شده در دنیای مجازی که همه چیز رو به مسخره میگیرند و در زمینه هایی که اطلاعات ندارند اظهار نظر می کنند. طرف روزها میره اتاق عمل، ملت رو جر و واجر می کنه و شب ها میاد سایت و مقاله گیم می نویسه و ملت هم خوششان می آید و طرف جوگیر میشه، بیشتر مقاله می نویسه. طرف تا دیروز، مجلس عروسی گرم می کرد و الان شده ژورنالیست. شاید طرف پیشرفت کرده باشه ولی عامل اصلی همین "دور و وری ها" هست که انگیزه میدهد تا نویسنده خیلی خفن به نظر برسد! شاید اگر تشویق و حمایت های "دور و وری ها" نبود، اون بنده خدا همچنان تو مجالس نیناش ناش می خوند و اون یکی، ملت رو میزد تو اتاق عمل لت و پار می کرد.

همانطور که شرح داده شد، نویسنده شدن کاری ندارد و پیشرفت هم کاری ندارد. مهم این هست که شروع کنید و مهم اینست که چگونه راه خود را انتخاب کنید. تبدیل شدن به یه آدم مثلا خیلی خیلی خفن یا یه آدم ساده که فقط به خاطر اینکه نویسندگی عشق و تفریحش هست قلم می زند؟ بدانید و آگاه باشید که شاید گزینه اول به راحتی و سریعتر نتیجه دهد ولی آنچه که در اذهان من و دیگران می ماند قلم ماندگار شماسست، نه تشویق های الکی خوش "دور و وری ها"! در پایان جا دارد که یادی کنیم از استاد عزیز، نویسنده ی مرحوم، آقای شروین استاد زاده که در چند ماه پیش به دیار باقی پیوست. وی از اعضای قدیم مجله دنیای بازی بود و گیمرهای علاقه مند به سبک ماجراجویی حتما با قلم آقای استاد زاده آشنایی دارند. یادش گرامی و روحش شاد.

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقیست...

قسمت ششم: اندر حکایات بازی های آنلاین

اصولا بازی با یک مشت هوش مصنوعی جذابیت چندان خاصی نداشته و نخواهد داشت. قبول ندارید؟ اصلا مهم نیست. اینکه ما می گوئیم ندارد، یعنی ندارد! در کل می خواهیم این شماره سر بازی های آنلاین بحث کنیم، قبول نداری کلیک نکن! نکن آقا، نکن!

همانطور که گفتیم و شما هم خیلی منطقی ملتفت شدید و قبول کردید، بازی با یک مشت بات هیجان خاصی ندارد. البته تا وقتی طعم بازی آنلاین را نچشیده باشید به این حرف من نمیرسی. به قول حصین بدوووو تا برسی. بترس از روزی که تو سرورهای خارجی بازی می کنی. البته قبول کردن این ترس ربطی به قبول کردن قضیه ۴ خط بالا رو نداره و از ترس دیدن فیلم جن گیر در نصف شب، تک و تنها هم بیشتر هست. اما چرا باید بترسیم؟ بازی آنلاین مثل تریاک هست. بازیاز اهلش نیست و نمیره سمتش، که یهو دوست اهل حال گیمر، شما رو با استیم، گارنا، گیم رنجر و نرم افزارهای مالتی پلیر بیشتری آشنا می کنه. بعد بازیاز که شما باشی، امروز یه بار، فردا ۲ بار، پس فردا ۳ بار و ... بله دیگه! اعتیاد تو اولین قیمه گیم که برای شما پخت کردیم، اشاره شد که بد هست و دومین قیمه که نوش جان کردید هم گفتیم خشونت خوب نیست و ششمین قیمه که شما الان دارید میل می کنید مخلوطی هست از آمیزه های ۵ قیمه قبلی! یعنی شما اگر ۵ قیمه قبلی رو میل کرده باشید، حتما و بلا استثنا یک دوره هر چند کوتاه بازی آنلاین انجام دادید که شاید ۱.۵٪ احتمال دارد که ترک کرده باشید. البته روش های ترک اعتیاد هم در قیمه گیم ۱ به تفصیل اشاره شد و همه شما هم می دانید. اگر هم نمی دانید برگردید دوباره قیمه رو نوش جان کنید چون حال و حوصله دوباره گرم کردن را نداریم.

ولی بدبختی اعتیاد به بازی آنلاین نیست. بدبختی اصلی از جایی شروع می شود که برای انجام یک بازی آنلاین با لذت عالی و کیفیت HD باید نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان هزینه کنید. سریال نامبر خریدن با هزینه دلار کنونی یک طرف، فراهم کردن یک اینترنت خوب با حجم مناسب برای بازی کردن و وب گردی از یک طرف دیگر، باعث می شود که پدر شما خودتون و سیستم جناب عالی را از وسط و به صورت مساوی به ۴ تکه تقسیم کند و همچنین پدرتان در بیاید! باید سعی کرد تا آنجا که می شود در هزینه ها صرفه جویی کرد. مثلا میتوانیم به جای خریدن سریال نامبر برویم در سرورهای هک شده بازی کنیم! برای صرفه جویی در مصرف برق برویم کنتور برق را دستکاری کنیم و هزاران ترفند دیگر که فقط و فقط یک ایرانی می تواند آن را انجام دهد و بس! این روزها البته ترفندهای بهتر و ایمن تری کشف شده که گیمر میاد سرمایه گذاری انجام می ده. این که گفتیم یعنی چه؟ یعنی اینکه حاضر می شه یه اکانت پولی بخره و ۱ الی ۲ سال بعد که تروفی و اچیومننت و IV زیاد کسب کرده تصمیم به فروختن اکانت خودش میگیره. باور کنین پدر ما انقدر ماهیانه حقوق دریافت نمی کنه که این گیمرها کسب درآمد می کنن. ۴ تا اکانت را اگر بگوئیم ۵۵۰ تومن، ۵۰ تومن هم سگ خورد، ۲ میلیون از فروش میتوان درآورد! با این حساب اگر ۱۰ اکانت برای فروش بذارید، یک پراید صفر می توان خرید! حالا من و شما همچنان ز گهواره تا گور دانش بجوی، دنبال کار از این کاشانه و کوی، آخر سر هم یک راست و عمود می رویم تو جوی!

وعده های زیادی را داده اند که اینترنت سرعت مگابایتی خواهیم داشت و همچنان در حال تحقق این وعده هستند. حال دقیقا چه سالی باید منتظر اینترنت پرسرعت در سطحی حداقل مثل افغانستان داشته باشیم خدا می داند! به هر حال یک روز کابل ندارند، یک روز مسئول مربوطه می رود دیزین، یک روز چکش و ابزار آلات گم می شود، یک روز کوسه های خلیج فارس این کابل ها را می جویند. در کل دوست من، امید خودمان را نباید از دست بدهیم، انشالله بچه ها و نوادگان بنده و شما بتوانند از سرعت مگابایتی استفاده کنند. هر چند تا ۱۰ سال دیگه این بازی های اینترنتی خز می شود و بچه ها دارند با روبات شخصی خودشون راگی بازی می کنند.

با این حال، کسانی هم که در خانه از اینترنت خوبی بهره نمی برند، به گیم نت محله خودشون رجوع می کنند و دلی از عزا در می آورند و خیلی راحت هم می توانند در و دیوار را فحش های اونجوری (!) بدهند. اینجاست که می گویند، تمام درها بسته بود و من از پنجره پریدم. ای کاش برای مطالعه ی کتاب هم سیستم ما ایرونی ها این شکلی بود. برای خوندن کتاب، کافی هست که یک بهونه مسخره داشته باشیم. طرف دیده گابریل گارسیا مارکز فوت کرده، به خاطر تسلی خاطر ایشون تصمیم گرفته تا ۱ هفته هیچ کتابی نخونه! به خدا الان مرحوم مارکز تو گور داره یک ریز و بیبره میره به خاطر این کارهاتون. حالا یک گیمر برای انجام بازی آنلاین اگر ۱۰۰ کار باید انجام بده، با یک اراده پولادین ۱۰۱ کار انجام می ده بلکه بتونه تجربه ی جدیدی از یک "بازی" داشته باشه. باید سعی کرد، باید به هم دیگر بفهمانیم که شاید تجربه خیلی لذت بخشی برای یک بازیاز باشد که یک ساعت به عنوان مثال بتل فیلد آنلاین بازی کند ولی تجربه خواندن چند برگ از یک کتاب می تواند تجربه ی بسیار ناب تری داشته باشد، دردرسهای آنلاین بازی کردن و اینترنت هم ندارد و بازیاز انقدر دغدغه ندارد که IV اش کی به ۸۰ می رسد!

قسمت هفتم: اندر حکایات امتحانات خرداد ماه یک گیم

امتحانات نزدیک است و فراق گیم و بازیاز هم نزدیک تر! در قیمة گیم این قسمت نیز می رویم به سراغ اندر حکایات امتحانات و اینکه چه بکنیم و چه نکنیم، از دست پدر و مادر دلسوز خانواده حرف نشنویم، بازی هم بکنیم.

بدبختی از جایی شروع می شود که بازی کلا منتشر نمی شود و دقیقا زمانی که امتحان ما ایرونی ها شروع میشه، یه ۲ جین بازی توپ میاد. حالا که پیش آزمون و میان ترم هست و بازیسازها و مسئولان تبلیغاتی فرت و فرت خبر داغ و تریلر و تیزر منتشر می کنند و دل ما ایرانی ها رو آب! دغدغه یک غیر گیمر اینست که امتحان خود را خوب بدهد و دغدغه یک گیمر اینست که Watch Dogs رو چه شکلی ۱۰۰٪ بازی کند و به آن یکی دوست اهل حال گیمرش نشان بدهد و پز بدهد که نیگا، من خیلی خفنم!

Watch Dogs رو چکار کنیم؟ ولفنشتاین رو دیگه همیشه ازش رد شد! ای بابا، سریال گیم آو ترونز هم که تموم نشد. آقا ریــــــــــــلکس باشین! انقدر فکر نکنین به گیم! بشینین به قانون فیثاغورث فکر کنین. اصلا این یک اصل ثابت شده هست که به هر چی بیشتر فکر کنی، بیشتر دنبالش هستی. طرف روز و شب به هک کردن شیکاگو در نقش آیدین فکر می کنه. خواب می بینه شده هکر تو دنیای اون ور آب و فرت و فرت هک می کنه وسایل رو! خب این شخص داره مثلا شیمی می خونه و کلا فرمول شیمیایی تجزیه هیدروژن کربنات رو مینویسه میده آیدین ۲ بار مثبت + شیکاگو ۳ بار منفی. انقدر فکر نکنید به بازی. بشینین به درس فکر کنین که زار میزنه گوشه اتاق که بیا منو بخون.

جونم براتون بگه که شخص نویسنده خیلی در دوران آزمون های دبیرستان تلاش می کرد تا این سیستم بی صاحب شده رو روشن نکنه و بازی نکنه و امتحان رو پشت سرش خراب نکنه، ولی نمیدونم چرا هی نمیشد و هی میگفتیم ایشالا از سال بعد تا اینکه رسیدیم به دانشگاه. خدا رو شکر تو دانشگاه وضع بهتر شد و هی میگفتیم ایشالا از ترم بعد! این هم یه جور پیشرفت هست دیگه. خواستم در جریان باشید که در جریان هستیم چقدر سخته بازی رو کنار گذاشتن و چه گیمرها که نتوانستند و چه اراده هایی که بعد ۲ روز منحل نشد و چه باس فایت هایی که پدر از گیمر در بیاورد! بدبختی از جایی شروع می شود که ما خودمان نتوانستیم ولی هی به بقیه گیر می دهیم که بازی نکنید و درس بخونید. اینجاست که بقیه به ما می گویند بگذریم!

اصلا خیرش را خوردیم! ما که نه اراده داریم، نه می توانیم بازی را کنار بگذاریم. هر موقع توانستیم از ته دیگ سیب زمینی ماکارونی بگذریم، می توانیم از بازی هم تو امتحانات بگذریم. ولی چه کنیم که حرف نخوریم؟ شورای مقابله رویایی با گیم که به اختصار به شورای "مرگ" معروف است، یک ماه قبل از برگزاری امتحانات خرداد برگزار می شود و راهکارهای بسی جالب در شب گذشته ارائه شد و بسی فیض بردیم. مفاد شورای مرگ به شرح زیر است:

- خر خونی تا پاسی از شب! این مدل بیشتر برای بچه های دانشجو کاربرد دارد و خر زدن در ایام امتحانات از اوجب واجبات است و بس! البته کار دیگه ای همیشه کرد به جز خر زدن. (از پشت صحنه اشاره می کنن که...) همیشه ماشین استاد مربوطه رو شُست. میشه نامه فدایت شوم نوشت. میشه تقلب (دارن اشاره می کنن که نگیم راهکار آخر رو. بد آموزی داره گویا)

- درسته همیشه مثل یه گیمر و مثل یک مرد بنشینیم و Watch Dogs بازی کنیم ولی باید سطح انتظارهای خودمان رو پایین بیاریم. یعنی اینکه به جای کنسول خانگی و PC، بیاییم با موبایل خود ور بریم. البته تو پشت صحنه دارن بال بال می زنن که این مورد هم بدآموزی داره انگاری ولی عیب نداره. بالاخره ماشین هم که باشه، بالاخره بنزین کم میاره دیگه، ما که دیگه آدمیم مثلا واسه خودمون! میشه بازی های فکری هم کرد و ما ایرونی ها هم اسیر بازی های فکری. البته نویسنده که بنده باشم، از بازی سوپرشوت بسی لذت بردم و بسی حال و هول. کلا دوران امتحانات که میشه با بازی های موبایل بیشتر آشنا میشم.

- چاییتو عوض کن! این یک شعار تبلیغات بازرگانی نیست. باید دید خودمان رو عوض کنیم. میدونم خیلی سخته، وقتی که یک کتاب درسی جلو روت باز باشه و بنشیننی تا تهش بخونی. اون وقت هست که حتی گل های قالی هم برات جالب هست و به فلسفه پوپولیستی جهان فکر می کنی و ... بیدار شو رفیق! چاییت رو عوض کن ولی قیمة ای که میخوری رو عوض نکن. فکر کن که چقدر مثلا حل معادله دو مجهولی می تونه در آینده برای شما مفید باشه ... (اشاره می کنند که هیچ فایده ای نداره گویا) اینجاست که شاعر می فرماید میخوای بری برو ولی گیتار رو با خودت نبر... خب دوست نداری اشکالی نداره ولی به بازی های آینده فکر کن! به این فکر کن که ریاضی میگیری ۱۲ از ۲۰ و دیگه خبری از ارتقای سیستم نیست. دیگه خبری از خرید کنسول نسل هشتمی نیست. دیگه خبری از بازی ویدئویی نیست. دیگه خبری از گیمفا نیست و ...

اعضای شورای "مرگ" و اینجانب اوقات خوشی را برای شما آرزومندیم و امیدواریم که امتحانات خودتون رو به خوبی و با High score بسیار خوب، Level تحصیلی خیلی عالی به سر کنید و امتحاناتتون رو درجه سختی Easy باشه. البته این شانسی که نویسنده که بنده باشم دارم، درجه سختی در حد بازی Dark Souls II و یا شاید هم Flappy bird باشه.

پیش تا پایان... با قدرت... با اقتدار

قسمت هشتم: هیس! سگ ها فریاد نمی زنند

خسته ام! مثل کسی که ۴۸ ساعت نخوابیده، حتی بدتر از کسی که آخرین ته دیگ سیب زمینی غذایش رو یک بنده خدای دیگر نوش جان می کند و غمگین تر از یک PC باز که چرا GTA نیامد و شاید این جمعه بیاید و خسته ام... می پرسید چرا؟ خودم هم دقیقا نمیدانم... بگم؟ نگم؟ خسته ام از کامنت های تکراری، از این همه شکلک های مسخره ای که ۹۰٪ اسپم های سایت رو گرفته، از یک مُشت چیدن واژه های به هم ریخته تو قسمت هفتم که گیمرها رو متحول کرد و همه روی آوردند به سنت مقدس محصلان ایران زمین یعنی خر خوانی که جدیداً اصطلاح قشنگی گرفته به نام خر زدن! در کل تو این قسمت قصد بر این شد که بازی Watch Dogs رو مقداری انگولک کنیم و دور همی بشینیم و درباره این بازی به یک زبان دیگر، ساده تر، حرف بزیم و یک خرده شاد باشیم!

آخ دست رو دلم نذارید که نویسندۀ تا امروز از شنیدن اسم بازی Watch Dogs تو هر خبر یا مقاله ای تو حیظه گیم، آلرژي پیدا کرده و تمام بدنش کهیر زده! قبل از تحلیل و موشکافی بذارید از اسم بازی براتون دو کلام حرف بزیم.

۳ سال پیش بود فکر کنم که Watch Dogs معرفی شد. حالا ایده جالب بازی به کنار، اسم بازی مدت زیادی سوژه بود. به این خاطر که هر کسی یک نوع ترجمه پارسی ازش داشت! از نگاه سگ ها بگیر تا ترجمه بسیار بسیار جالب سگ های بیننده! من از شرکت یوبی سافت استدعا میکنم که دیگر در بازی های خود از نام حیوانات استفاده نکند. حداقل حیوانات اهلی تر باشد بهتر است؛ مثل گربه، طوطی، قناری، اسب دریایی و ... از آنجایی که گیمرهای محترم این مرز و بوم دانتر از بقیه هستند و ذاتا یک رگه آمریکایی دارند و انگلیسی بلد هستند، هر چقدر بگویم Watch Dogs این معانی را ندارد باور نمی کنند. این عبارت به سگ هایی اطلاق می شود که از مرزهای یک محدوده محافظت می کنند و در میان انگلیسی زبانان، عبارت WD به معنای محافظ است و بس! حالا هی بزیند تو سر همدیگه که نه، ما درست میگویم. البته وقتی ژورنالیست های ما هم خیلی راحت با این ترجمه سطحی (سگ های نگهبان) کنار می آیند، دیگه حتما یک چیزی بیشتر می دانند لابد و اینجانب فقط دارم بادمجان واکس می زنم و بس!



اون اوایل هم که همش میگفتند ایده ی بازی ناب هست و تو هیچ بازی دیگه ای به این دقت به هک بها داده نشده و از این حرفا. این سازنده های عزیز فکر کنم تا حالا بازی Uplink رو انجام ندادند که این حرف رو زدند. در کل سازنده هست دیگر... گاهی دلش میخواد قُمپز در کند.

تبلیغات پیام بازرگانی هم تا یک حدی اغراق آمیز هست و بیش از حد، مخاطبین دهن مبارکشون رو باز می کنند و انواع و اقسام فحش ها را حواله سازنده تیزر می دهند. ولی تبلیغات تو دنیای بازی، خیلی هم اغراق آمیز باشد، گیمرهای این دوره زمونه، فقط می گویند چه خفن! سازنده های WD هم آمدند پیش سازنده تیزرها و اخبار تبلیغاتی و بهش گفتند که با GTA، PC، گرافیک و کنسول جمله بسازد. آقای تبلیغاتچی (شاید هم خانم بوده) برگشته تیزر خبری زد که "Watch Dogs می تواند رقیب جدی برای GTA باشد" حالا فکر کن ما نمیدونیم فروش GTA V تو سطح جهانی چقدر بود و این مسئله هم نمی دونیم که قدمت بازی GTA بیشتر از بازی نوپای یوبی سافت هست. در هر صورت، اصلا شوخیش هم قشنگ نیست. در کل انتشار این خبر به یک طرف و پوکر فیس شدن گیمرها به یک طرف دیگه دست به دست هم داد که پروسه حماسه آفرینی های تبلیغاتی WD ادامه داشته باشه. به تبلیغاتچی گفتند بیا یک وسیله نقلیه باحال رو از بازی حذف کنیم. گشتند و گشتند و میخواستند اول تانک رو حذف کنند. گفتند درست نیست شیکاگو سالم بمونه و نیاز به یک تخریب خیلی خفن داره. باز گشتند و گشتند و دیدند که خوب هست که هلیکوپتر رو حذف کنیم! اصلا چه معنی داره تو یک بازی که با هک سر و کار داری بیای هلیکوپتر بزاری تو محیط بازی؟! این شد که گفتند شخصیت اول آیدین تو بازی توانایی راندن هلیکوپتر را ندارد. چقدر هم بازیازها ناراحت شدند...

تازه فهمیدند که ای داد بیداد! فک فامیل های آیدین که شخصیت اول این بازی باشه رو چکار کنیم؟! اول میخواستند همه کنار هم باشند و دور همی یک داستان ملو درام داشته باشیم و دیدند جالب در نیامد! از اون سمت هم نشستن فیلم Network رو دیدند و داستان سرایان این عنوان بدجور جو گرفت و فک و فامیل های آیدین رو زدند از خط داستانی حذف کردند. در کل، آیدین مادر مُرده و بدبخت با این حساب، تک و تنها تو شیکاگو باید فرت و فرت هک کند و هک کند و هک کند...

این چند ماه اخیر که سازنده ها هی تاریخ انتشار جهانی این بازی رو به تاخیر می انداختند. حالا بماند دلایل عجیب و غریبشان چه بوده و دقیقا زمانی هم قرارست منتشر شود که خبری از هیچ بازی نیست. فقط یادشان رفت که تو ایران، خرداد ماه وقت امتحانات گیمرها هست. ولی باز هم مهم نیست. مهم این هست که گیمر جماعت بعد چند ماه بی بازی بودن، با انتشار یک بازی خر کیف می شود. حالا هر بازی که میخواهد باشد...

سازنده ها یک شب پیش سازنده های بازی Rage و Call of Duty: Ghosts رفتند و گفتند چه کنیم که خیلی خفن تر شویم؟ ندا رسید که سیستم مورد نیاز برای PC رو بالا ببرید تا گیمرها کف و خون قاطی کنند. حالا اون سخنگوی استودیو یک خُرده پیچ ولوم از دستش در رفت و یهو آب قطع شد و دسته شیر فلکه آب محلشون کنده شد و سیلی از اعتراضات گیمرها به سمتشون حواله شد. این شد که گفتند چه کنیم، چه نکنیم؟ دستور دادند که یک شیر فلکه جدید تعویض کنند. سیستم مورد نیاز رو کمتر اعلام کردند ولی خبر ندارند که شیر فلکه ای که خریدند، مدل چینی هست! تا شما باشید الکی قمپز در نکنید.

هر که نداند، ما که می دانیم بعد از انجام بازی چه اتفاقی میفتد. این هم مصاحبه اختصاصی از نویسنده قیمة گیم با Jonathan Morin سازنده ی بازی Watch Dogs :

- عمو گیم باف؟
- بله؟
- واچ داگز منو ساختی؟
- بله
- تاخیر زیاد انداختی؟
- بله
- واچ داگز اومده؟؟!!
- چی چی آورده؟
- هکر و هک و اینا

قسمت نهم: نیم نگاهی به E3 2014

بعد از وقفه نسبتاً طولانی برگشتیم با قسمت نهم مجموعه قیمة گیم. میدانیم که دلتان برای دست پخت ما تنگ شده بود. E3 2014 هم گذشت ولیکن گیمرها همچنان نگذشته اند ازش و سعی می کنند از نعلش همدیگر رد شوند و همان بحث های همیشگی سونی بهترست یا مایکروسافت؟! نیتندو هم که رسماً هویج تشریف داره میون این همه بحث ها.

نویسنده که بنده باشم قرار است تا سری به کنفرانس های E3 بزنیم و قیمة گیم نذری پخش کنیم تو سایت.

کنفرانس EA: (به خاطر یک مُشت دلار)

شرکت EA را بعضی ها می گویند که خیلی پول پرست است! والا به خدا نیازی به گفتن ندارد، همه ما می دانیم که شرکت های بازی سازی باید سود کنند. پس از آنجا که زمین گرد است، توپ فوتبال هم گرد است، EA باید پول پرست باشد. منطق از این بهتر؟! بازی Dragon Age جدید (بقیه اسمش خیلی سخته نوشتنش حال نداریم بنویسیم) هم چیز جالبیست. به هر حال چشم ندارند که ببینند گرگ پیر سفید از آن سمت تنهایی جست و خیز کند. پس Dragon Age جدید رو نشون دادند که ببینید ما هم نقش آفرینی بلدیم بسازیم؛ گور بابای داستان کلیشه ای و تم کلیشه ای تر! اصلاً کلیشه هفت جد و آباء تان است گیمرهای کلیشه سوخته!

بازی Sims 4 هم معرفی شد. موتور انجین هم طبق معمول همیشه فراست بایت است. حالا به عدد کم و بیشتر تنگ آن اضافه می کنند. به خرده هم درباره بازی حرف زدند که چندان مهم نبود. EA هست دیگر، گاهی می خواهد قُمُز الکی در کند! در کل گیمرهای دختر این مرز و بوم ذوق مرگ شدند و منتظر عرضه ی این بازی در اواخر شهریور ماه سال جاری هستند.

گفتند چه کنیم UFC جدید رو شاخ کنیم پیش ملت گیمر؟ ندا آمد که برو سلی را بذارید تنگش! حالا برو سلی توی UFC چه میکند خدا میداند و شرکت سازنده! در کل کنفرانس EA با استراتژی "بزن تنگش" کنفرانس خود را به اتمام رساند.

کنفرانس Ubisoft: (درخشش)

نویسنده که بنده باشم هر چقدر می گویم یوبیسافت به حیوانات بسیار علاقه مند است کسی قبول نمی کند. نشون به این نشون که شروع کنفرانس با حضور ربیدهای خل و چل شروع شد و حضار و نویسنده قیمة گیم را بسی خوش آمد از این نمایش جالب. بازی Far Cry 4 هم به نمایش در آمد و باز هم حضار و نویسنده قیمة گیم را بسی خوش آمد. هر چند نسخه چهارم رو انگاری تو همون ماهی تابه ای که نسخه سوم رو درست کرده بودند، درست می کنند ولیکن مثل EA از تکنولوژی "بزن تنگش" استفاده نکردند! به چند تا حیوون جدید تو بازی انداختند. به خدا انتظار هر حیوون حتی دایناسور را داشتیم ولی دیگر... یوبی سافت مونترال است دیگر... گاهی دلش می خواهد فیل بندازد داخل محیط بازی! فیل سواری هم نکرده بودیم که قرار است بکنیم در پاییز امسال!

پس از نمایش های مهیج و فرح بخش، یوبی سافت نمایشی از بازی The Division پخش کرد که به شدت آدم را متاثر کرد و به یاد بدبختی های خودمون و بدهی ها و حقوق کم گیمفا انداخت. فقط کویتی پور را کم داشت که مداحی کند روی نمایش این بازی! پس از نمایش این بازی، نوبت به بازی The Crew رسید. اساساً Julian Gerighty بیچاره، کارگردان این بازی بسیار زور می زند که E تا چیز بگوید که بازیش به خرده خفن به نظر برسد ولی خب آبی از این بازی گرم نخواهد شد.

بازی Assassin's Creed: Unity هم به نمایش در آمد و گیمرها از شدت خفن بودن این نمایش خشتک ها دریدند و به بیابان شتافتندی! به هر حال بیش از ۱۰۰ کشور در دنیا وجود دارد پس نیازی به نگرانی نیست. تا هفت نسل بعد ما هم می توانیم اسسین کرید بازی کنند. حالا مهم نیست چقدر می خواهد تریلر خفن باشد. بعد این نمایش هم Charles Huteau به قری به کمر خودش داد با بازی Shape up. بنده خدا نمی داند که ما ابرونی ها دی جی حسین فسقری داریم که بازی و خودش رو میذاره تو جیبش. نمایش بعدی از Valiant Hearts: The Great War بود که نمایش بسیار جالبی داشت و به جورایی خاص بود. بازیش هم الان منتشر شده و می تونید تهیه کنید. تا چند روز دیگر هم به دست نویسنده قیمة گیم که بنده باشم نقد و بررسی خواهد شد. آخر کاری هم رئیس یوبی سافت به صورت کاملاً یهویی نمایشی از بازی Rainbow Six: Siege ارائه داد که گیمرها هم یهویی جوگیر شدند، کف و خون قاطی کردند، نویسنده قیمة گیم هم بدجور قاطی کرد، فک همه ما خورد به زمین و کلاً خیلی خفن بود آقا، خیلی! بعد این همه سال بالاخره Rainbow Six برگشت. من و این همه خوشحالی محاله، محاله!

مایکروسافت که سال پیش انقدر بالا و پایین پرید در برابر بقیه شرکت ها که ما هم بلدیم بازی بسازیم پس از افتضاح مالی Ryse و گرون بودن کنسول نسل هشتمیش در برابر PS4، به زور سرش را بالا می توانست بگیرد تصمیم گرفت دیگه بزنه به سیم آخر! Halo میخواستید؟ بفرمایید این نسخه پنجم. Forza؟ بفرمایید Forza Horizon 2. Xbox one می خواهید؟ سگ خورد. ۳ تا ۱۰۰ تومن بدون کینکت، آی گیمر تو خونه و کارمند، زنبیلت رو وردار و بیار! بیا که حراجش کردیم.

از آن ور، Call of Duty جدیدی به نمایش کشیده شد. کلا فازشون چیه که راضی نمیشن یک سال به این فرانچایز استراحت بدهند را کسی نمی داند! خب یک سال عرضه نکنید سونامی که نمیداد. در هر صورت Advanced Warfare که عنوان جدید این فرانچایز دیرینه هست توانسته یه خرده خفن به نظر برسد که در کل پس از افتضاحی به نام Call of Duty: Ghosts به تریلرهای این عنوان نباید دل خوش کرد و به اصطلاح اینا بچه گول زنک هست و بس! حالا هر چه می خواهد فضایی تر شود، سکانس های هالیوودی و دوبلورهای حرفه ای عرصه سینما برای آن جمع و جور شود.

از کنفرانس نه چندان جالب که بگذریم چند بازی الحق و الانصاف نمایش جالبی داشتند. بازی Inside که سازنده های لیمبو قرارست بسازند. منتهی انگاری وضعیتشون بهتر شده و دیگه خبری از گرافیک سیاه و سفید نیست و محیط بازی مثل سایر بازی ها رنگ آمیزی شده هست. نسخه جدیدی از لارا کرافت هم معرفی شد که این طور که پیش می رود، همچنان گیمرهای ابرونی کم سن و سال پشت درهای بسته بازی کنند که یهو یکی از پشت ظاهر نشود و دمار از روزگارشان در نیورد!

گرگ سفید هم که همچنان می تازد و نمایش بسیار جالبی در قالب اژدها کشون داشت که بسی خوشمان آمد.

فن های مایکروسافت تا آخرین لحظه منتظر بودند که مارکوس فینکس و دار و دسته شان را ببینند ولی نه خبری بود، نه کسی قرار بود خبری رو بده تو نمایش و نه کلا کسی از مسئولین حال و حوصله نسخه چهارم Gears of War را داشت... یا شاید هم... مایکروسافت یادش رفته بود؟!



کنفرانس نینتندو: (یک ذهن زیبا)

کلا همیشه نینتندوی بیچاره بین گیمرهای ابرونی به عنوان هویج یاد می شود! ولی این هویج بودن دلیل بر این نیست که بازی به درد نخور می سازند. به عبارت دیگر نینتندو نمیخواهد سنت آباء و اجداد خودش را دور بندازد و بازی های خفنی مثل AC و CoD بسازد. هر موقع توانستید هویج بودن نینتندو را کنار بگذارید و چهره واقعی این شرکت را ببینید به ذهن زیبای نینتندو می گوئید ایول! جونم براتون بگه که بایونیتا ۲ فقط قرارست برای Wii U منتشر شود. این هم حال گیری نینتندو! هر چند نمایش بسیار جالب Legend of Zelda بسی زیبا بود. همینطور نسخه جدید بازی بامزه Kirby که بی نهایت بامزه هست. افکار نینتندو را دوست می داریم. می گوئید چرا؟ Mario Maker را حتما تو کنفرانس دیدید که خودتون می توانید دنیای جدیدی برای ماریو بسازید و بازی کنید و بازی کنید و بازی کنید و ... شکستن مرزهای دوران کودکی هایمان، فقط به دست نینتندو میسر است. (نویسنده گریه می کند)

کلا همیشه خدا سونی با نمایش بازی های انحصاری خودش در E3 هر سال می خواهد آنجای گیمرهای دیگر را بسوزاند که پلی استیشن نداری برو بمیر! ولی خب امسال دلش سوخت و اولین تریلر را به بازی Destiny اختصاص داد ولی باز هم امکانات PS4 رو به رخ همه کشید. بازی های The Order: 1886، LittleBigPlanet 3 دوست داشتنی، بسته الحاقی جدیدی برای Infamous: Second Son به کنار، نمایش عنوان انحصاری جدیدی تحت عنوان Bloodborne باعث شد نویسندگان و بقیه حضار پوکر فیس شوند! Project beast که قبلا هی تو اخبار دنیای بازی های رایانه ای ویراژ می داد بالاخره به نمایش کشیده شد.

بعد از معرفی دنباله جدید Dead Island که واقعا حیران مانده ایم که با چه امیدی قرارست این عنوان عرضه شود! اعتماد به نفس سازنده های این بازی را اگر نویسنده داشت الان سردبیر سایت Gamespot بود! بازی محبوب نویسنده هم به نمایش کشیده شد. Mortal Kombat X نمایش بسیار جالبی داشت و بسی خوشمان آمد و بسیار منتظر آپرکات های جدیدی هستیم. تو اون بلبشو نمایش های خفن، بازی Metal Gear Solid V : The Phantom Pain هم یادی ارزش شد که بدانیم هنوز به شدت روی آن کار می کنند!

اما کنفرانس سونی نقطه اوج بهتری هم داشت که موجی از شادمانی کل کشور ایران و بقیه جاهای دنیا رو در بر گرفت. GTA V بر روی PC پاییز امسال منتشر خواهد شد. ضمن تبریک این خبر میمون و خجسته به گیمرهای این مرز و بوم، از گیمرهای کنسولی نهایت تشکر را داریم که نسخه بتای GTA V را تست کردند! خسته نباشید و خدا قوت! سونی دیگر سنگ تمام گذاشت و برای K.O کردن بقیه نمایش ها، Uncharted 4 : A Thief's End را یهو انداخت وسط کنفرانس که با اینکه تیزری بیش نبود ولی فن های سونی خشتک دریدند و بالا و پایین پریدند!



در کل نمایش E3 2014 در نیم نگاه جالب بود. حواشی سال پیش را که کمتر داشته ولی تماشای کنفرانس ها برای هر گیمری از اوجب واجبات است! بنده از همین تریبون، جام طلایی نمایش امسال را به شرکت سونی و دسته بیل طلایی را به شرکت EA تقدیم می کنم. قیمة گیم طلایی با برنج محسن هم تقدیم میکنم به نمایشی از بازی Super Ultra Dead Rising 3 Arcade Remix Hyper Edition Dx plus alpha. نه به خاطر اینکه خیلی نمایش خفنی داشته باشه، نه به خاطر اینکه اسمش را ۳ تریلی باید حمل کند، فقط به خاطر اینکه پدر اون طراح کاور درآمده که این همه اسم رو داخل یک قاب تصویر جا بده!

قسمت دهم: اندر حکایات آزادی های یواشکی دخترهای گیمر

قیمه گیم این هفته را اختصاص دادیم به شما دوست عزیز! شما که اون گوشه کز کردی و نشستی و با اکانت "اصغر پنجه طلا" ویراژ میدی تو سایت و کاربرها رو به جون هم میندازی اگه با هویت اصلی خودت بیای تو سایت. بله با شما هستم دختر خانم! قیمه گیم این قسمت رو اختصاص دادیم به دغدغه های یک گیمر دختر.

حق می دهیم که با هویت اصلی خود به سایت های بازی نیایی. کامنت گذاری ۱۰ تا اصغر انقدر جلب توجه نمیکند که یک دختر کامنت بذاره تو سایت! حتی تصورش هم سخت هست. فکرش را بکنید که یک دختر (ترجیحا با اسم های با کلاس مثل پارمیدا، آناهیتا، سارا و ...) کامنت بذاره "سلام، من عضو جدید هستم تو خانواده گیمفا". اینجاست که دسته بندی های مختلفی از کاربرها رو میتوان داشته باشیم. دسته اول کسانی هستند که بسیار دلشان می خواهند بذله گو باشند و هر چه گیمر دختر در سایت بگوید، وی هم تایید کند! دسته بعدی، همان دسته اولی هست ولی ظاهر خودش را حفظ می کند که بله، ما دختر ندیده نیستیم! اژدها ۴ سر که نیست، دختر هست. تفاوتی نداریم با همدیگر. ظاهر مثل یک جنتمن، در باطن و خفا و پیام های خصوصی می شود "اسمشو نبر!" خلاصه کلام حق می دهیم خواهرم که هویت جعلی میسازد و پا به پای بقیه جواب کامنت ها رو میدی. ما یک کاربر فن سونی داشتیم که مثل یک مرد، تاکید می کنم مثل یک مرد دفاع می کرد از کنسول خودش. چه دعوایی که نمیفتاد و چه فحش هایی که نمی خورد بنده خدا. دلمان سوخت. خیلی وقت هست که در سایت نمی بینیمش. خواهرم، اگر صدای منو میشنوی، بیا که سایت یه نیروی کمکی نیاز داره تو انحصاری های سونی.

گیمرهای دختر فقط تو سایت های بازی مجبور نیستند که هویت جعلی بسازند، بلکه این قضیه تو بازی های آنلاین هم دیده می شود. مورد داشتیم دختری با آهنگ امیر تلو در دنیای وارکرفت می چرخید و ول می گشت. حالا داداش این دختر، تو اتاق خودش که آلبوم جدید Linkin Park به اسم The Hunting Party (پیام بازرگانی: آلبوم عالیست دوستان) دارد گوش می دهد، از دست بر قضا، خواهر خود را در وارکرفت پیدا می کند و چند ساعت تلاش میکرده که مخ خواهر خودش را بزند. حالا در نهایت چی شد به شما ربطی ندارد و همین قدر بدانید که "شاید برای شما نیز اتفاق بیفتد". البته کهنه کارهای بازی های آنلاین حداقل یک بار هویت دخترونه ساختند (مدیونید اگر فکر کنین نویسنده هم آره!). کافی هست با اسم مثلا Elhεm bad girl به سرورهای بازی های اکشن مثل Call of Duty یا بتلفیلد بروید. دیگه اینجا دسته دومی در کار نیست و راحت می گویم همه پسرها به دسته اول روی می آورند و دیگر بازی را ول می کنند به امان خدا و مشغول به چت با گیمر دخترنما می شوند و گور بابای یارهای تیم! دغدغه اصلی این آدم های ساده لوح می شود اینکه از دختر توی سرور شماره بگیرد و اینجاست که خر درون Elhεm bad girl، جفتک میندازد و شماره خط دومش را می دهد و باعث می شود که یک سرور از گیمرهای حرفه ای و نوب، بازی را ول کنند. تبریک می گویم، شما یک سرور خالی دارید!

مورد داشتیم گوشی Xperia Arc S به دختر گیمر، چهار روز گم شده بود و دختر ناراحت بود. نه به خاطر اینکه ۱ میلیون داده واسه گوشی! فقط به خاطر اینکه به Pou غذا نداده این چند روز و می ترسه تلف شه بچه. البته دخترها حداقل یک مزیت در بازی کردن دارند آن هم فرانچایز Tomb Raider هست که هر شماره جدیدتری که ساخته می شود، این خط قرمز ممیزی بیشتر شده و خطر پس گردنی زدن بابای خانواده بیشتر می شود ولی خب دخترها این یک فقره رو خوب می توانند بازی کنند ولی مشکلات دیگری هم هست که دخترهای گیمر اعتقاد دارند هر چه سنشان بیشتر می شود باید علاقه خودشون رو به بازی مخفی کنند ولی خواهرم نکن جانم! بنده اگر بدانم همسر آینده من یک گیمر هست، نه تنها بیشتر از قبل عاشقم میشم. مهریه هم نرخ تعیین می کنیم ۴۰۰ تا کنسول Xbox One و ۴۰۰ تا کنسول Sony. البته راه حل عقلانی تر این هست که قشنگ سنگ هامون رو با هم وا بکنیم و مشخص کنیم که طرفدار کدوم کنسول و شرکت هستیم.

باور کنید شاید از لحاظ فیزیکی دختر و پسر با همدیگر فرق داشته باشد ولی دید یک گیمر پسر به دختر یه چیزی فراتر از یک فرق فیزیکی هست و فکر می کنند که همه دخترهای گیمر، مثل یک اژدهای دو سر و ۴ شاخ بالای سر هستند و بازی هایی مثل Kirby، لارا کرافت و زلدا و Pac Man انجام می دهند ولی نویسنده اذعان دارد که زرش... ک! بیا و ببینید که چطور توی بازی های Dota، کیل میگیرند و به اصطلاح Triple Kill میگیرند. ببینید و ببینید که چطور تو سرورهای بتلفیلد همه را هدشات می کنند. گیمرهای دختر بی عرضه نیستند بلکه اون تصویری که شما از این دسته دارید برای ۲۰ سال پیش هست که دختر حتما باید غذا بپزد، خونه را جارو کند و ناز بابایی رو بکشد و با پسر همسایه، خاله بازی کند! البته امروزه هم روایت داریم که اون مورد آخری که گفته شد یعنی "ناز بابایی رو بکشد" برای تیغ زدن بابای بی نوا برای خریدن کارت شارژ و کادوی تولد احسان جون، حسین جون، BMW آلبالویی زعفرانی انجام می شود. به هر حال، حیران مانده ایم. کدام دختر بهتر هست؟ دختر ساده دیروز یا گیمرهای خفن امروز. هر چند وجه اشتراک جفت دخترها تو آزادی های یواشکی هست چه می خواهد دهه شصتی باشد یا دهه هفتادی. چند سال دیگر هم که دهه هشتادی ها وارد میدان گیم می شوند که باید گفت: اوه، مای، گادا! ختم کلام اینکه دید خودمان رو یه خرده عوض کنیم، یه خرده هم جنبه و ظرفیت برای ارتباطات بین جنس مخالف داشته باشیم، میخواد تو دنیای واقعی باشه یا یک بازی ویدئویی... .

قسمت یازدهم: اندر حکایات تابستان یک گیمر ایرانی

تابستان شده و دوباره فحطی بازی، دوباره خانواده ها روی اعصاب گیمرها، گیمرها روی اعصاب خانواده، اعصاب نمانده، این روزه گرفتن در تابستان با اینکه چیز بسیار خوبیست ولی خیلی عذاب آور شده تو این هوای گرم. از آنجایی هم که شاعر می فرماید تابستون کوتاهه میشود تحمل کرد ولی شاعر نگفته بود که گیم هم کمه! این شماره قیمة گیم رو اختصاص دادیم به راهکارهای بسیار خوب و بسیار مفیدی که میتوانیم در تابستان انجام دهیم دور همی.

۱. از اتاق بیاید بیرون!

باور کنید هر از گاهی بد نیست از اتاق خودمون بیرون بیاییم. یه سری به خانواده خودمون بزنیم. به نظر آدم های بدی نیستند. هر چند که زیاد با گیم میانه خوبی ندارند ولی می تونیم سر خودمون رو گرم کنیم. چطوری؟ مثلا سر خودمون رو بذاریم روی اجاق گاز یا بریم پشت بوم، عین این مرتاض ها، چهار زانو بشینیم و بذاریم آفتاب بخوره تو سرمون و بگیم "TTTTTTTTTTTT". البته این راهکار خیلی سریع به نتیجه می رسد و سرتان گرم می شود ولی برای احتیاط می تونید یک پارچ آب یخ بگیرید و همراه خودتون داشته باشید. کاره دیگه، یهو دیدی اینقدر که سرت گرم شده که داره آتیش میگیره. اینجا پارچ آب یخ به درد می خوره شدیداً!

۲. به دنیای فیلم و سریال سر بزنید:

اکیدا توصیه می کنیم که اگر گیمر هستید ترجیحا دنبال سریال نروید چون اعتیاد سریال به مراتب بدتر از گیم هست. برید دنبال فیلم. البته نه هر فیلمی و مسلما شما هم گیمرهای خوبی هستید و دنبال فیلم های بد بد نمی رید. البته نه تا وقتی که فیلم های قشنگی هم هست که میتونیم ببینیم، ترجیحا بدون حضور بابا و مامان خانواده! (پیام بازرگانی: فیلم Transcendence, Noah, Non-stop, Rio 2 خیلی خوبه! حتما ببینید) نویسنده که بنده باشم در حال تماشای ۲۵۰ فیلم برتر IMDB هستم. در زمان نوشتن این قیمة گیم، ۱۵۴ فیلم دیگر باقیست!

البته تماشای سریال هم کار خوبی هست. ایرانی ها هم عادت دارن که یک فصل ۲۴ قسمتی رو در عرض ۲ روز ببینند. گیمر جماعت هم بیشتر سریال دکستر و سریال Game of Thrones می بینن و میره تو شبکه های اجتماعی هر چی غافلگیری هست به اشتراک میگذاره و سیل عظیمی از فحش ها رو نثار روح پاک خودش روانه می سازه. خیلی دیگه بخواد نشون بده ما هم خیلی سریال باز هستیم، آواتار خودش رو به یکی از کاراکترهای اول سریال مورد نظر تغییر میدن (پیام بازرگانی: انقدر آواتار منو نبینید، برای سریال هست).

۳. گوش دادن موسیقی های سبک های جدید:

از تفریحات مفرح نویسنده در ایام بیکاری! از مداحی های ایرانی گرفته تا آهنگ های Cold Metal، در این سیستم بنده ذخیره و گردآوری شده و گوش می دهیم. البته گیمرهایی که رابطه جون جونی با بابای خانواده دارن میتونن آهنگ بذارن و بابای خانواده فیت بده وسطش! البته دیده نشده همچین خانواده ایده آلی و این حرف صرفا زاییده ذهن بیمار نویسنده قیمة گیم هست و یک فانتزی بیش نیست و فکر هم نکنم اگر روزی پدر بشم حال و حوصله گوش دادن به جفنگیات و خالطورهای امروزی و هزاره ۱۴۰۰ داشته باشم. تصور کنین به پسر سامی بگم که فرزندم، آهنگ سنتی و قدیمی برام رایت بزن و بیاد آهنگ های امیر ففلو و شاسگول مانکن رو برام بریزه!

یکی از عادت های خیلی بد نویسنده این هست که کافی هست یه آهنگ یا ساندتراک تو بازی گوش بده و ۱٪ خوشش بیاد، اونوقت هست که کارآگاه درون جفتک میزنه و حمله ور شده به اینترنت برای یافتن ساندتراک گمشده. تفریح خوبی هست ولی هم اعصاب میخواد، هم یک ذهن کاملاً بیکار و بی عار برای جست و جو. به خاطر همین برای انجام این مورد، باید خیلی خیلی خیلی بیکار باشید که با شنیدن یک صدا بروید دنبال دانلود.

۴. ورزش:

یعنی بهترین شعار، بهترین نصیحتی که میشه کرد همین ورزش کردن هست. اصلا وقتی یکی به ما پیشنهاد میدن که ورزش کنید، یه احساس خفن بودن بهش دست میدن و این احساس خفن بودن صرفا فقط یه حس هست مثل همین الان که نویسنده داره به شما میگه! کافی هست که هیکل طرف رو نگاه کنید که نیم تنه به بالا شبیه سیب زمینی و نیم تنه پایین شبیه آفتابه هست و بس. بدبختی اینجاست که اراده نداریم. دویدن تو دنیای بازی با یک Shift و جهت جلو هست ولی تو واقعیت باید هیکل مبارک رو تکان داده و حرکت کنیم. کاش تو واقعیت هم یه کلیدی به اسم Shift بود که هلمون بده به جلو. اما تنها کلیدی که تو واقعیت هست، Ctrl هست که مجبور میکنه آدم سینه خیز به موقعیت مورد نظرش برسه. در هر صورت اولین جمله که گیمر به این نصیحت به ذهنش میرسه، "....." هست. انقدر بد بود که نمیشد نوشت. خجالت بکشید.

۵. کتاب خوانی:

یعنی وقتی میخوای گیمر رو زجر بدی، یه کتاب بده دستش، بگو بخون! به خصوص یک کتاب شعر. اولین چیزی هم که تو جواب میگویند، این هست که "مگه من دخترم کتاب بخونم؟!" انگار نویسنده های کتب مختلف تو دنیا فقط برای دخترها و معلم ها کتاب می نویسند. گیمر جماعت هم که فقط عاشق کتاب های هفتگانه هری پاتر هستند و دخترها هم توایلیت میخوانند. این وسط کافی هست که یه نویسنده مشهور بمیره، اولین جماعتی که سوگواری میکنند، همین گیمرها هست و فرت و فرت از نویسنده مرحوم نقل قول میکنند. البته هستند کسانی که به کتاب های علمی علاقه دارن ولی متاسفانه بقیه بچه ها این گیمرها رو سوژه خنده می کنند ولی جای گریه داره!

پس فردا که رفتی تو اجتماع، از شما نمی پرسند چند تا بازی رو تموم کردی، چند تا گول آخر کشتی، چند بار Call of Duty رو تموم کردی، GTA رو چند درصد تموم کردی و ... ازت می پرسند چقدر سواد داری، چقدر معلومات داری، چقدر تو روابط کاری یا شخصی میتونی قوی ظاهر بشی و سوالاتی از این دست ولی چه فایده که شما این قیمة گیم رو خوندی و فکر کردی متحول شدی و از فردا نه، از پس فردا دوباره میری سر بازی GTA V که ۱۰۰٪ بتونی تمومش کنی و گور بابای کتاب خوندن و بیرون رفتن با دوستان، گیم رو عشقه!

قسمت دوازدهم: اندر حکایات صنعت بازیسازی در ایران

عرض شود که قیمة گیم هم شده مثل آهنگ های "یاس". هر دفعه یه سلسله حرف هایی زده میشه و چهار تا نصیحت می کنیم و میریم رد کارمون ولی قضیه فرق کرده تو این قسمت و سعی شده که نصیحت رو بذاریم کنار. این قسمت قرار هست که بزیم قیمة سوخته پخش کنیم تو سایت به خورد بازیسازها.

اصلا چی شد که به فکر نویسنده قیمة گیم رسید که درباره بازیسازی طنز بنویسه؟ اصولا کلمه "بازیسازی" تو دوستان ایرانی گریه آور هست. دخترها با فیلم تایتانیک گریه می کنند، پسرهای ابرونی علاقه مند به بازیسازی با بازیسازی! حالا چی شد که اصلا این شد سوژه طنز این قسمت رو حال نداریم توضیح بدهیم! اصلا دلما خواست.

سن گیم که از ۱۸ سال رد می شود، از چپ و راست ناله و فغان سر میدهند که ای بابا، خرس گنده نشستی بازی می کنی؟! دقت شود که به جای واژه "خرس گنده" می تونید از هر لغت حیوان چاق و چله استفاده کنید. خود کلمه "گیم" تو جماعت غیر گیم ایرانی یه جور بیماری محسوب میشه، حالا دیگه به عمق فاجعه و کلمه "بازیسازی" فکر کنید. بابای خانواده خسته و کوفته از سر کار بر می گردد به خانه و می بیند خرس گنده نشسته پشت سیستم و جناب خرس گنده محترم نیز در جواب بابای خانواده که چه غلطی داری می کنی از صبح تا حالا پشت سیستم، جواب می دهد "دارم کار می کنم". بعد سیلی از تمسخرهای ریز و درشت نثار روح پاک بازیساز مفلوک روانه می شود. نخندید! شاید برای شما هم اتفاق بیفتد. اصولا کار و شغل، بیشتر تو ذهن غیر گیمرها باید جوری باشد که جون طرف بالا بیاد! داغون شه، زیر بار کار له شه و بازیسازی رو یه جور سوسول بازی می دونند. میگید نه؟ همین الان قیمة گیم رو ول کنید، برید پیش خانواده خود و بگوید میخوام بازیساز شوم. اگر فحش نخوردید! اگر مسخرتون نکردند! اصولا هر چقدر هم که روشن فکر باشند باز هم عکس العمل بدی نشون خواهند داد. اصولا شغل بین مادرها به سه دسته تقسیم می شود. دسته اول، پزشکی. دسته دوم مهندسی، دسته سوم وکیل و افرادی که تو دادگستری کار می کنند. بقیه شاغلان هم بروند کشک خود را بسابند.

حالا فرض می کنیم که والدین و اطرافیان روی خوش به بازیسازی نشان بدهند. طرف میخواد بازیساز بشه و از بازیسازی فقط شوقش رو داره. اولین چیزی هم که بنده خدا گیر میاره چیزی نیست جز برنامه Game Maker. بعد هم می رود سراغ اینترنت و با یک جست و جو در گوگل میخواد که این برنامه را یاد بگیرد. بعد چند روز هم که خسته می شود و زمین و زمان رو به فحش می کشد، از بازیسازی خسته می شود و همین الان که تو اوج هست خداحافظی میکند. حالا کسی هم نیست، فقط خودمانیم ولی گوش شیطان کر، دانشکده ای هست تو ایران برای بازیسازی تو تهران. حالا بازم بین خودمون بمونه ولی یاد می دهند به صورت اصولی که بازی را چگونه باید بسازیم! از اونجایی که ما ابرونی ها انسان هایی راحت طلب و رایگان خور هستیم دوست داریم خیلی زود بشویم یکی مثل هیدئو کوچیما! ما طفل که بودیم تا حالا، این صنعت بازیسازی می خواست پیشرفت کند ولی دوستان، صنعت بازیسازی ما خیلی هم قوی هست، فقط خستست، خسته!

جدیدا بازیسازهای مستقل تو کشور عزیزمون بیشتر شدند و بازی های جالبی با ایده های جالب تر می سازند. البته بگذریم بعضی اوقات از طرح های خارجی اسکی می روند. مهم نیست بازی چقدر می خواهد مشهور و تو چشم باشد یا خیلی ساده و بی زرق و برق، هر جا سخن از اسکی رفتن از طرح ها هست، نام زیبای یک ابرونی می درخشد. بالاخره یه جا باید درخشان ظاهر باشیم. البته مسئولین محترم خورده نگیرند به نویسنده قیمة گیم، برای دلداری باید عرض شود که فقط شما اسکی نمی روید، بقیه بخش های فرهنگی آخر هفته، حوصلشون که سر می رود به صورت کاملا خود جوش می روند اسکی پیست دیزین دور همی. حالا صنعت گیم که فعلا یک قیمة هست ولی صنعت فیلم سازی ما برای خودش آش شله قلمکار بدمزه ای هست که همون آش ترش خودمون هست، به اسم شله قلمکار قالب می کنند. نمونه ای از این آش ترش هم در یکی از سریال های ماه رمضان امسال مشاهده کردیم. دست مسئولین مربوطه درد نکند که سوژه خنده امسال روزه دارها را نیز فراهم کردند. انشاالله خدا عوض بدهد، در سال بعدی بیشترش کند! قربون قیمة خودمون بروم که هنوز جای کار زیاد دارد. منتهی اون آشپزهایی که مشهور نیستند و با کسی "اون بالا" رفیق صمیمی نیستند رو خیلی راحت پرت می کنند پایین. چه شکلی پرتشون می کنند پایین؟ - به راحتی! قیمة تلخه، قیمة شوره، قیمة شیرین شده، قیمة گوشتش کو؟ قیمة چرا رنگش قهوه ای شده؟ قیمة چرا انقدر داغه و ... انقدر سوال می پرسند که آشپز بدبخت اصلا قیمة بی صاحب رو ول می کند و می رود پی کارش! اصلا امان نمی دهند؛ حالا میخواد آشپز مربوطه قیمة خودش را در عرض ۲ ساعت درست کند یا در عرض ۲۰ ساعت. مسئولین محترم بگذارید حداقل یک نفر بچشد، شاید خوش مزه بود! اصلا گور بابای اون یک نفر، خود شما فقط بچشید. دهن رو وا کن، من خودم بهت قیمة رو میدم. هواپیما داره میاد عمویی، بگو TTTTTTTTTT.

راستی "اون بالا" کجاست؟ جای خاصی نیست. یک سری دوستان عزیز می روند اون بالا، منتهی نرده بونی در کار نیست، پله ای هم در کار نیست، چه شکلی می روند اون بالا، الله اعلم! بقیه هم محسوب می شوند در حد یک شلغم! اینجاست که با کسانی که اون بالا هستند، باید دوست شد، رفاقت چیز بسیار خوبیست ولی رفاقت با بچه های "اون بالا" صفایی دیگر دارد و بس!

یعنی خوراک فعالین بازیسازی کشور این هست که مقاله چپ و راست بنویسند برای پیشرفت و ارتقای صنعت بازیسازی. باز دم ژورنالیست های خودمون گرم که هر از گاهی یه خبری می گیرند از بازی های ایرانی. البته نه هر بازی ایرانی! بازی هایی که از "اون بالا" معرفی می شود تا بازی رو به اصطلاح شاخ کنند بین گیمرهای ایرانی به واسطه مجلات و مقالات خودشون. حالا می خواهد بازی در حد شلغم باشد ولی ژورنالیست های دلسوز عزیز، آنچنان روی شلغم مورد نظر کار می کنند که در حد یک لازانیا به نظر برسد. حالا هر چقدر بقیه بگویند بابا جان، این همون شلغم هست، گوش ندید ولی کو گوش شنوا؟! دوباره به روایت نویسنده قیمة گیم می رسید که میگه: بقیه هم محسوب می شوند در حد یک شلغم!

روایت داریم هر موقع حوصله دوستان "اون بالا" سر می رود همایش میگذارند و به همدیگر جایزه می دهند. حرف زیاد می زنند، حضار محترم هم می توانند یه دل سیر استراحت کنند و یک دل سیر بخوابند. البته از حق نگذریم، این شیرینی هایی که می دهند خیلی خوش مزه هست. (مدیونید فکر کنید نویسنده قیمة گیم فقط به خاطر شیرینی زبون و ساندیس پرتقالی به همایش های گیم می رود) خاصیت مهم تر این همایش ها به اینست که می تویم عکس بگیریم از همدیگه، بعد بریم تو فیس بوق، عکس رو بذاریم و بالاش هم توضیح بنویسیم که "یه روز خیلی خوب تو همایش فلان جا با بازیساز فلان پور".

مشکل یکی، دو تا نیست. بعضی ها هم کافی هست یه تیری به تخته بخوره و یکی از اون بالایی ها از بازی طرف خوشش بیاد! آنچنان احساس خفن بودن به طرف دست می دهد که این احساس خفن بودن باعث میشه طرز دیدش کاملا عوض شه و خودش را در حد یکی مثل کلیف بلزینسکی بداند. حالا کسی نیست بگوید به این بنده خدا که آقای خفن، شما یک بازی رو شاید خوب ساخته باشی، دلیلی نیست که بازی های آیندت هم خوب باشه! البته یه راه حل هست. اون تیری که تخته رو خورد رو یادته دوست گرامی؟ اون تخته رو بلند کن، بزنی تو ملاح اون بالایی ها، بلکه سرشون تاب بخوره، همه بازی هات رو خوششون بیاد. بعد حالا حمایت که ازشون نمیشه، ناله های گرانقدرشون رو میخونیم و می بینیم تو تلویزیون که آیا گیمرها، از ما اصلا حمایت نمیشه. انقدر دیگر نازک نارنجی ندیده بودیم. البته مورد داشتیم بازی خوبی قرار هست منتشر شود در نوع ایرانی که واقعا جذاب و در سطح عناوین خارجی هست ولی وقتی بازیسازهای گرامی مشاهده نمودند که گیمرها خیلی از این بازی ذوق کردند، قیمت بازی رو بردند بالا! حالا یکی نیست بگوید به این بازیسازهای عزیز که قیمتی که شما گذاشتید برابر هست با چند تا بازی شاخ دنیا به صورت کپی خور شده.

تمام این حواشی و بحث ها به کنار و یک طرف قضیه دیگر، گیمرها هستند. گیمرهایی که تو این مرز و بوم زندگی می کنند و می گویند حمایت می کنیم. بازی ایرانی یعنی حمایت! اصلا حمایت تو خون ماست. این موارد دیالوگ هایی هست که تو گزارش هایی که شبکه های تلویزیونی از جشنواره های بازی های ایرانی پخش می کند، گیمرها، چه کم سن و سال، چه سنشون بالا باشه، می گویند. حالا این ها فقط ظاهر قضیه ست. حالا کافی هست یک بازی منتشر بشه، اولین کسانی که غر می زنند همین گیمرها هستند که حاضر نیستند یک قرون پول برای خرید بازی بدهند. اصلا رایگان خوری تو خون ماست. همه چی رو می خواهیم مفت به دست بیاریم. دم از حمایت هم می زنیم! طرف حاضره روزی ۴ تا ساندویچ سوسیس بندری بخوره ولی پول یک بازی ایرانی رو نده و با کمال پر رویی می گه پول ندارم، خیلی قیمت بازی های ایرانی زیاد هست. باز دم بازیسازهای بخش موبایل و گوشی های هوشمند گرم که بعضی از بازی های خودشون رو رایگان به اشتراک میگذارند و تنها خواهشی که از گیمرها دارند این هست که فقط به بازی امتیاز بدهند. همین! به خدا کار زیادی نیست به خاطر این همه زحمتشون برای سرگرم کردن هم وطن خودشون. چقدر خوب هست که یاد بگیریم حمایت کنیم از دوستان و هم وطن های خودمون. نویسنده قیمة گیم رو ول کنید که عاشق فرانچایزهای خارجی هست، بیخود هم پیش خودتون نگید که بازی ایرانی کیلو چنده بابا، خودتون رو گول نزنید، همینقدر که مشتاق می شویم بازی کنیم بینیم بازی های ایرانی در چه حدی هستند، نشون میده که به اهمیت بازیسازی و پیشرفتش در کشور علاقه مند هستیم. به خودتون بیاید و انقدر نگید که بازیساز ایرانی به درد نمیخوره، مگر هیدئو کوچیما از اول همین بود؟ البته این قضیه "اون بالا" تو کشورهای دیگه مشخص نیست وجود داره یا خیر ولی این صنعت نیاز به حمایت من و شما داره. یکی از آیتم هایی که تو قیمة گیم هفته قبل یادم رفت بنویسم برای بیکاری در تابستان درباره امتحان کردن بازی های ایرانی بود؛ ترجیحا بازی های پلتفرم PC. حتما برید سراغش. این میتونه اولین گام برای حمایت باشه. این خزعبلات که بازیسازهای ما هیچوقت نمی تونند به سطح بازیسازهای خارجی برسند رو بریزید دور. من و شما انسان هستیم، مثل هم، شبیه هم.

قسمت سیزدهم: از گواتمالا تا جزیره بالا

بدون شک یکی از عشق و حال هایی که به بازی باز وارد می شود در بازی کردن به صورت مالتی هست. اصلا چه معنی دارد آدم با یک مشت هوش مصنوعی بیوگلابی بجنگد؟! اصلا مگر می شود مالتی زدن رو بی خیال شد؟ مسلما در جزیره ما می شود! شک نکنید، گیمفا رو هم ترک نکنید!

در همین حوالی ها جزیره ای وجود دارد که گیمر جماعت از آن به عنوان جهنم یاد می کنند. فکر می کنید چرا مثل جهنم؟ یکی از دلیل هاش این هست که به این راحتی همیشه مالتی بازی کرد! (چرا؟) خب هر از گاهی یه عده کوسه فخیم از جزایر گواتمالا، به سمت جزیره ما یورش می برند و طی یک حمله انتحاری کابل های اینترنت جزیره ما رو می روند. چند بار به این کوسه های فخیم توضیح دادیم که "آخه فدات شم ما هم آدمیم، دوست داریم از اینترنت استفاده کنیم! این رسمش نیست!"

خلاصه پس از رایزنی های فراوان بالاخره دست از این حمله ی انتحاری کوسه های فخیم برداشتند. خب بگذارید یک سر به بازی های مالتی بزنیم. وارد Garena می شویم. طبق معمول همیشه پس از سگ دوهای فراوان یک روم از بازی Dota را پیدا کرده و Join می شویم. پس از چند دقیقه از بازی شوت می شویم بیرون! (چرا؟) خب، دلیل ندارد! کیفیت بدی که داریم. به همون سرعت که به بازی وصل شدی، به همون سرعت پرت میشی بیرون! خب بی خیال بازی Dota می شویم! اصلا بازی های استراتژیک چه به درد ما می خورند؟ بهتر است این بار به سراغ بازی شوتر مثل کال آف!! (همون Call of Duty که در زبان عامیانه گیمرها از لفظ کال آو دیوتی به کال آف تبدیل شد!) برویم.

وارد Steam می شویم تا یک دست بازی جانانه بزنیم. در کمال تعجب به راحتی وارد بازی می شود، در اینجاست که پس از ذوق مرگ شدن به مدت ۵ دقیقه، می خواهید که فک تیم حریف را بخوابانید که..... عامل زجر آور دیگری به نام Ping وارد عمل می شود. پینگ اجنبی ها حول و حوش ۵۰ می گرده. اون وقت ما بدبخت بیچاره ها پینگمون دور و بر عدد ۳۰۰ می چرخه!

این فقره رو هم بی خیال شدیم. اصلا چرا باید آدم بشینه بازی شوتری رو انجام بده که هدفش تخریب فرهنگ و بقیه موارد باشه؟! بهتره بریم سراغ بازی دیرینه شوتری که همچنان محبوبیت داره یعنی کانتر استرایک! یعنی وقتی پس از مدت ها سراغ این بازی میریم، اول یک حس نوستالژیک در می کنیم. یه چند دقیقه تو فاز حس نوستالژیک در می کنیم بعدش که وصل میشیم به سرورهای خارجی، با قدرت تمام Ban می شیم. تا میای ببینیم چی شده یه چند بار تلاش می کنیم که وصل بشیم ولی می بینیم نه بابا! مشکل از ریشه است! IP های جزیره ما رو ندیده Ban می کنن اینجاست که کل اون حس های نوستالژیکی که در می کردیم به یکباره زهر مار شده تو گلومون گیر می کنه.

خب بالاخره ما همچنان درمانده و گریان از اینترنت خارج می شیم و ابتدا دو دستی به سر مبارک می زنیم و سپس گنجینه فحش های خود را باز کرده و بله دیگه!

گفتیم چه کاریه؟ اعصاب نازنین خود را سر یک مالتی زدن خراب کنیم؟ وقت با ارزش خودمون رو سر بازی و دانلود فیلم های غربی حروم کنیم؟ دوباره به سراغ کوسه های فخیم جزیره گواتمالا رفتیم و با عجز و لابه خواستیم بیان این کابل ها رو به کل نابود کنند تا شاید غم دوری از اینترنت را به کل فراموش کنیم. در وهله اول که راضی نشدند و بعد وقتی دیدن که خیلی داریم التماس می کنیم دارن با کوسه های قاتل مذاکراتی می کنند که بیان این اینترنت کوفتی رو واسه همیشه نابود کنند و ما هم بریم سر کار زندگیمون!

سخن آخر:

چرا قیمة؟ هنوز تو فکر هستیدی؟ البته کسانی که قیمة گیم ۱ را مطالعه کرده باشند، جواب این سوال را از ابتدای کتاب میدانستند. اینکه قیمة حاوی موادهای مختلفی هست شکی در آن نیست. عده ای به خاطر بعضی از مواد غذایی، قیمة را دوست می دارند و غذای محبوبشان بوده و عده ای به خاطر بعضی از مواد مثل لپه از آن بیزار هستند. بازی های ویدئویی هم دقیقا همانند قیمة است. عده ای خواهان بازی و گروه دیگری از جامعه از آن به شدت متنفر هستند. بهتر است اعتدال را رعایت کنیم. بدانید و آگاه باشید که زیاده روی در هر مسئله ای به ضرر انسان خواهد بود. در سیزده قسمت سعی شد تا قیمة ای به بار آورده تا مخاطب مزه مزه کند و طعم خوب و بد آن را بچشد. اینکه آیا این قیمة هنوز زیر زبان شما بد طعم جلوه می دهد یا خوش طعم، به خودتان بر می گردد. آیا توانستم طرز نگرش و تفکر شما را عوض کنم؟

رسول خردمندی

۱۶ مرداد سال ۱۳۹۳

تنها راه ارتباطی با نویسنده:

rasoulkheradmandi@gmail.com